

متن نامه اساتید دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

نتیجه برخوردهای تنگ نظرانه و .. ریاست دانشگاه، اخراج و [x] بازنشستگی اجباری و یا ترک ناشی از شرایط نامناسب نزدیک به یک سوم از استادان دانشکده اقتصاد اعم از باسابقه و تجربه آموخته و جوان و بالنده بوده است. بقیه نیز در معرض ناامنی و محدودیت های شدید و اعمال فشارهای روانی و اجتماعی اند که ادامه فعالیت آنان را غیرممکن کرده است. اما عملکرد ریاست دانشگاه به این موارد یا حذف ناگهانی پذیرش دانشجو در ۱۶ رشته علوم انسانی محدود نیست.

اعضاء محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

موضوع : هشدار نسبت به فروپاشی یک نهاد علمی

با اهداء سلام و تحیت

دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی بر شما ناشناخته نیست. این دانشکده با پیشینه ای بیش از نیم قرن فعالیت، هم از حیث تعداد استاد و دانشجو و هم از حیث تنوع رشته ها و گرایش ها، مقام ممتازی را در میان مراکز آموزشی و پژوهشی اقتصاد در کشور داشته است. از حیث فعالیت های علمی و پژوهشی (نشریه علمی و پژوهشی مستمر و منظم، انتشار کتاب ها و مقالات علمی معتبر، تالیف و ترجمه متون علمی، آموزشی و پژوهشی، برگزاری همایش های علمی، برخورداری از مرکز تحقیقاتی مستقل و فعال و...) از سابقه ای درخشان و جایگاه بالائی در سطح ملی برخوردار بوده است. در عرصه های اجتماعی نیز فعال ترین مجموعه آموزشی و پژوهشی در کمک به اصلاح سیاست ها و برنامه های اقتصادی دولت و محل مشاوره نهادهای سیاست-گذاری، قانون گذاری و اجرائی در دوره های مختلف بوده است. این موفقیت، بیش از همه مرهون حضور جمعی گسترده از اعضاء هیات علمی توانمند اعم از باسابقه و جوان با رویکردهای نظری و گرایش های فکری متنوع بوده است.

این دانشکده به اعتبار فعالیت های علمی، آموزشی و پژوهشی درخشان

و بی بدیل و غیرقابل انکار خود در رقابت با سایر دانشکده های اقتصاد کشور، موفق شد از ابتدای دهه ی ۱۳۸۰ در سطح ملی به عنوان «قطب علمی اقتصاد ایران با تاکید بر توسعه اقتصادی» شناسائی و معرفی شود. رشته ها و گرایش های آموزشی و پژوهشی متعدد و منحصر به فردی با رویکرد بومی سازی و کاربردی کردن علم اقتصاد در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا دائر کرده و پژوهش ها، مطالعات و خدمات مشاوره بسیاری به نظام اجرائی عرضه نموده و مسئولیت همایش ها و هم اندیشی های بی بدیل و یگانه ای در سطح ملی را بر عهده داشته است.

اما متأسفانه در چندسال گذشته با روش ها و ابزارهای جاری مدیریت دانشگاه و دانشکده، این نهاد علمی بالنده در معرض فروپاشی قرار گرفته و با چشم اندازی نگران کننده مواجه شده است. اینک دانشجوی، استاد و کارکنان دانشکده در معرض ناامنی های جدی در بسیاری از امور به سر می برند.

دانشگاه علامه طباطبائی و به طور ویژه ای دانشکده اقتصاد در شش سال اخیر با شیوه ای اداره می شود که هیچ نسبتی با رویه های متعارف در اداره محیط های دانشگاهی ندارد. شیوه ها و ابزارهای جاری ریاست کنونی دانشگاه در مدیریت این نهاد علمی ملی، نیازی به معرفی ندارد. ...

نتیجه برخوردهای تنگ نظرانه و .. ریاست دانشگاه، اخراج و بازنشستگی اجباری و یا ترک ناشی از شرایط نامناسب نزدیک به یک سوم از استادان دانشکده اقتصاد اعم از با سابقه و تجربه آموخته و جوان و بالنده بوده است. بقیه نیز در معرض ناامنی و محدودیت های شدید و اعمال فشارهای روانی و اجتماعی اند که ادامه فعالیت آنان را غیرممکن کرده است. اما عملکرد ریاست دانشگاه به این موارد یا حذف ناگهانی پذیرش دانشجو در ۱۶ رشته علوم انسانی محدود نیست. برخی از اقدامات غیر متعارف و خلاف قانون و اخلاق و دون شان محیط دانشگاه به ویژه آنچه در دانشکده اقتصاد روی داده است را به اجمال به استحضار می رساند:

۱. تبدیل مسئولیت های انتخابی به انتصابی، از مدیریت گروه تا نمایندگان رسمی و قانونی استادان در شوراها و کمیته های تصمیم گیری دانشکده و دانشگاه.

۲. تعطیلی و توقف فعالیت قطب علمی و رکود مرکز تحقیقات اقتصاد

ایران و انحلال گروه آموزشی اقتصاد کشاورزی.

۳. اعمال فشار بر دست اندرکاران و تغییر غیر متعارف و یک شبه مدیرمسئول، سردبیر و اعضاء هیات تحریریه فصلنامه علمی دانشکده اقتصاد با آنکه دست اندرکاران این نشریه پیای مورد تقدیر قرار گرفته اند و نشریه نیز در دو سال پیای نیز به عنوان نشریه ممتاز علمی - پژوهشی در علوم انسانی معرفی گردیده است.

۴. دخالت های نابجا در جزئی ترین امور، حتی توقف برنامه تاسیس درسهای جدیدی که به تصویب گروه، شورای آموزشی و پژوهشی دانشکده و حتی شورای دانشگاه رسیده است.

۵. ممنوعیت از تدریس و عدم موافقت با حضور استادان بازنشسته با وجود اعلام نیاز مکرر دانشکده و گروه های آموزشی به آنان.

۶. ممنوعیت حضور برخی استادان شاغل (غیر بازنشسته) و با سابقه در گروه های آموزشی، یا ممانعت از انجام فعالیت های قانونی آنها.

۷. تحریم اداری برخی استادان و جلوگیری از ارائه خدمات متعارف اداری و مالی به آنان و حتی ضبط و بازرسی بسته ها و نامه های پستی اداری و پژوهشی آنان.

۸. جلوگیری از پرداخت حق الزحمه آموزشی و پژوهشی برخی استادان شاغل با وجود قراردادهای متعارفی که به امضای دانشگاه رسیده است.

۹. جلوگیری از پرداخت حقوق و مزایای قانونی استادان بازنشسته و حتی حق الزحمه تدریس یا راهنمایی رساله ها و پایان نامه هائی که پیش از بازنشستگی اجباری برعهده داشته اند و احکام آن توسط دانشگاه صادر شده است.

۱۰. اعمال نظارت و کنترل شدید بر مصوبات شوراها و کمیته های تصمیم گیری و ممانعت از دفاع قانونی آنان از حقوق استادان و دانشجویان و الزام به تنظیم صورتجلسات مبتنی بر منویات رئیس دانشگاه و حتی تغییر صورتجلسات مصوب پس از تصویب.

۱۱. تخلیه اتاق ها و جلوگیری از حضور استادان بازنشسته در دانشکده با روش هائی بسیار توهین آمیز و تحقیرکننده.

۱۲. استخدام پنج عضو هیات علمی جدید به روش غیر متعارف و خلاف رویه ی قانونی و تحمیل آنان به گروه های آموزشی درحالی که تعدادی

از آنان تحصیلات کارشناسی ارشد دارند؛ علیرغم اینکه جذب هیئت علمی با سطح تحصیلی کارشناسی ارشد در تهران ممنوع است.

۱۳. ایجاد فضای پادگانی و اعمال کنترل شدید بر رفت و آمد، ملاقات ها، جلسات رسمی و کلاس های درسی از طریق نصب دوربین های متعدد.

۱۴. جلوگیری از برگزاری جلسات علمی و گفتگوها و مباحث علمی و آموزشی، همایش ها و مباحثات متعارف و ضروری یک محیط علمی و دانشگاهی.

۱۵. تعطیلی دسته جمعی و یا اعمال محدودیت های شدید برای تشکل ها، نهادهای علمی، فرهنگی و صنفی دانشجویان و جلوگیری از برگزاری جلسات علمی و آموزشی و انتشار نشریات آنان.

۱۶. برخوردهای بسیار خشمگینانه و غیرمتعارف با هرگونه درخواست یا اعتراض صنفی و حتی آموزشی دانشجویان خارج.

۱۷. اخراج برخی از دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد و جلوگیری از دفاع پایان نامه ها و دساله ها و مشروط کردن آن به پرداخت جریمه های سنگین و بی ضابطه.

۱۸. پرونده سازی و طرح گستردن اتهامات بی پایه و اساس به استادان و دانشجویان.

۱۹. اعمال نظر در فرآیند پذیرش دانشجویان دوره دکتری و حذف برخی دانشجویان دارای رتبه های برتر و شایسته

۲۰....

نگرانی بزرگتر و قابل تامل این است که این برخوردها توسط کسی انجام می شود که با لباس روحانیت بر صندلی ریاست دانشگاه نشسته و دانش آموخته علوم اسلامی است و دروس روان-شناسی اسلامی تدریس می کند. همچنین از سوی آن شورا مسئولیت تدوین نقشه راه علوم انسانی کشور را برعهده داشته است. بی تردید آثار و پیامدهای ذهنی و معرفتی و عینی و اجتماعی عملکردهای ایشان تا دورانی طولانی بر باورها و رفتارهای جوانان و دانشجویان این سرزمین ادامه خواهد داشت.

برخوردهای غیرقانونی و بی ضابطه ریاست دانشگاه تاکنون زمینه تشکیل پرونده های متعددی در محاکم قضائی و صدور رای علیه ایشان

شده است. بارها استادان و دانشجویان شکایت و نارضایتی خود را با آرام ترین و قانونی ترین روش ها به نهادهای مسئول در قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرده اند. اما پادرمیانی و رایزنی دوستان نزدیک ایشان در داخل و خارج از دانشگاه، آراء قطعی محاکم قضائی و حتی برخورد و تذکر نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در یک مورد به نامه اعتراضی ۷۵ نفر از آنان منجر شد و حتی دستور صریح ریاست جمهوری، نه تنها منجر به اندکی تخفیف یا اصلاح در این روش های ایشان نشد، بلکه هربار عمق و ابعاد آن شدت یافته و قربانیان جدیدی گرفته است و متأسفانه هربار نیز بر سمت ها و مسئولیت های ایشان در کمیته ها و شوراهای سرنوشت ساز ملی افزوده شده است.

امضاء کنندگان این نامه جمعی از استادان دیروز دانشکده اقتصاد هستند که مجدانه دست کمک و یاری برای نجات این نهاد علمی به سوی آن شورا دراز کرده اند. آنان استادان شناخته شده و دارای سابقه روشن علمی و پژوهشی اند که به کار آموزشی و انجام وظایف خود در سایر مراکز آموزشی و پژوهشی کشور مشغولند ولی با احساس ناامنی جدی و نگرانی از تشدید این رویه ها، امروز رسالت و مسئولیت علمی و آموزشی خود را در هشدار نسبت به سرنوشت این نهاد علمی می-دانند.

احساس ناامنی و سابقه برخوردهای نامناسبی که پس از هر تذکر و گلایه استادان، ازسوی مدیریت دانشگاه با آنان صورت گرفته، موجب شد باوجود تقاضای گروهی از استادان شاغل، امضاء کنندگان زیر، آنان را از امضاء و درج نام خود در ذیل این نامه منصرف کنند.

اینک انتظار و درخواست روشن نویسندگان این نامه این است که:

۱. در صورتی که دغدغه یا اهتمامی به حفظ و حراست از دانشکده اقتصاد به عنوان یک نهاد پنجاه ساله علمی و پژوهشی بالنده و تاثیرگذار وجود دارد، مرجعی مستقل برای رسیدگی و توقف تخلفات و اقدامات غیر قانونی و غیر متعارفی که نابودی و تعطیلی این نهاد مهم علمی را در پی دارد تشکیل شود.

۲. مرجعی در قوه قضائیه یا آن شورا برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات اعضاء هیات علمی و دانشجویان تعیین شود تا استیفاء حقوق آنان را پیگیری کند.

امضاء کنندگان

دکتر حمیدرضا برادران شرکاء، مرتضی چینی چیان، دکتر محمود ختائی،
دکتر محمد ستاریفر، دکتر علی صادقی تهرانی، دکتر رضا عاصی، محمد
ولی کیانمهر، دکتر سعید مشیری، دکتر مهدی میرزادی جهرمی، حجت اله
میرزائی، دکتر بهروز هادی زنوز

اعضای هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

رده‌بندی جهانی آزادی مطبوعات ۲۰۱۱- ۲۰۱۲

در ایران (۱۷۵) سال‌هاست که سرکوب و تحقیر دوام‌دار روزنامه‌نگاران  به فرهنگ سیاسی حاکمیت تبدیل شده است. ادامه حیات این رژیم بسته به سرکوب رسانه‌هاست. این کشور همزمان با بهار عرب در خاورمیانه، همچنان بزرگترین زندان و یکی از سه زندان بزرگ جهان برای روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران بود. عراق (۱۵۲) با از دست دادن ۲۲ رده به جایگاه پیشین خود در سال مرگبار ۲۰۰۸ نزدیک شده است.

چین، ایران و سوریه در آخرین رده های جدول رده‌بندی، سال جنبش، بهار و سرکوب

پاریس ۵ بهمن ۱۳۹۰، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۲ - گزارشگران بدون مرز دهمین رده‌بندی سالانه‌ی آزادی مطبوعات در جهان را منتشر کرد. این رده‌بندی با همکاری صدها تن از روزنامه‌نگاران و کارشناسان رسانه‌ها تهیه شده است

دگرگونی دهمین رده‌بندی با سرکوب و جنبشهای اعتراضی

«در دهمین رده‌بندی آزادی مطبوعات در جهان تغییرات بسیارند. تغییراتی که بازتاب رویدادهای باور نکردنی و پربار سال گذشته به ویژه در جهان عرب هستند. بسیاری از رسانه‌ها برای پوشش خبری خیزشهای دمکراتیک و یا جنبشهای اعتراضی مخالفان هزینه‌ی سنگین پرداخت کردند. مهار اطلاعات داو قدرت و فرصتی برای در قدرت ماندن رژیم‌های توتالیتار و سرکوبگر است. سال ۲۰۱۱، همچنین ترسیم‌گر نقش

برجسته شهروند و بنگاران در تولید و انتشار اطلاعات بود.»

سال گذشته «سرکوب» واژه‌ی سال بود. در جهان هیچگاه آزادی اطلاع‌رسانی تا به این حد با دمکراسی هم‌پیوند نبوده است. هیچگاه کار روزنامه‌نگاران به این اندازه دشمنان آزادی را آزار نداده است. هیچگاه اقدام به سانسور و تهاجم فیزیکی به روزنامه‌نگاران به این تعداد نبوده است. حل این معادله آسان است: نبود و یا حذف آزادی‌های عمومی به شکل مکانیکی منجر به حذف و نبود آزادی مطبوعات می‌شود. دیکتاتورها از آزادی اطلاعات می‌ترسند و آنرا ممنوع می‌کنند، به ویژه آن‌گاه که پایه‌های قدرت‌شان را می‌لرزاند.

سه کشور جهانی برای آزادی رسانه‌ها، اریتره، ترکمنستان و کره شمالی، دیکتاتورهای مطلق هستند که در آنها آزادی وجود ندارد، بدون هیچ تعجیبی امسال هم چون هر سال در آخرین رده‌های جدول رده‌بندی قرار دارند. امسال در اصل ایران (۱۷۵)، سوریه (۱۷۶) و چین (۱۷۴) رتبه‌های آخرین جدول هستند. سه کشوری که گویی با عالم واقعیت قطع رابطه کرده‌اند، دیوانه‌وار در سراشیب ترور سقوط می‌کنند. بحرین، ویتنام رژیم‌هایی به تمام معنا سرکوبگر هستند، چون اوگاندا و روسیه سفید به قعر جدول و سربکوبگری فرو افتاده‌اند.

در رده‌بندی آزادی مطبوعات ۲۰۱۱-۲۰۱۲ کشورهای همیشگی، فنلاند، نروژ، هلند، و... صدر نشینی خود را حفظ کرده‌اند. کشورهایی که آزادی‌های بنیادین را محترم می‌شمارند. یادآور شویم که استقلال رسانه‌ها جز در دمکراسی‌های قدرتمند نمی‌تواند محفوظ بماند و همواره دمکراسی از آزادی مطبوعات تغذیه می‌کند. ورود کشورهایی چون کاپورت و نامیبیا در میان بیست کشور صدر جدول قابل تامل است، کشورهایی که در سال ۲۰۱۱ هیچ اقدامی علیه آزادی مطبوعات و روزنامه‌نگاران نکرده‌اند.

جنبش‌های اعتراضی

قیام در کشورهای عربی و اقدامات رهبران این کشورها برای مهار اطلاعات، دهمین رده‌بندی آزادی مطبوعات گزارشگران بدون مرز را دگرگون کرده است. برخی از دشمنان آزادی رسانه‌ها و اینترنت از قدرت برکنار شدند. برخی دیگر قدرت را با قدرت سرکوب مردم در دست دارند. جهان عرب موتور تاریخ در سال ۲۰۱۱ بود، تحولات گسترده‌ی سیاسی اما با بیلانی متناقض، تونس و بحرین دو سویی متضاد این بیلان هستند، در تونس (۱۳۴) با درد بسیار نظامی دمکراتیک متولد شد

که علت ۳۰ رده صعود آن است، هر چند که هنوز در این کشور رسانه‌های مستقل جایگاه خود را نیافته‌اند. بحرین (۱۷۳) با سرکوب جنبش دمکراتیک، برگزاری دادگاه‌های زنجیره‌ای برای مدافعان حقوق بشر و مسدود کردن تمامی فضای آزاد، ۲۹ رده از دست داد. اگر لیبی (۱۵۴) صفحه‌ی دوران قذافی را ورق زد، یمن در رویدادهای خشونت‌بار میان هواداران و مخالفان علی عبدالله صالح در رده ۱۷۱ درجا زد. کشورهای "بهار عرب" در برابر آینده‌ای نامعلوم قرار گرفته‌اند. جایگاه رسانه‌های مستقل، پرسشی است که هنوز پاسخ به آن ممکن نیست. چون مصر (۱۶۶) که با نا امید شدن دمکرات‌ها در نتیجه عملکرد شورای عالی ارتش که قدرت را در آغاز سال ۲۰۱۱ به دست گرفت، ۳۹ رده فرو افتاد.

سوریه (۱۷۶) پیش از این نیز در رده‌بندی ۲۰۱۰ در رتبه‌ی خوبی قرار نداشت، در دهمین رده‌بندی بازهم سقوط کرده است. سانسور کامل رسانه‌ها، مهار عمومی اطلاعات و خشونت کور علیه حرفه‌کاران رسانه‌ها از اصلی‌ترین دلایل این سقوط است.

در دیگر نقاط جهان، جنبش‌های مردمی الهام گرفته از بهار عرب با سرکوب پرخشونتی روبرو شدند. ویتنام (۱۷۲) دستگیری‌ها را افزایش داد. چین (۱۷۴) در برابر اعتراضات منطقه‌ای مردمی خسته از فساد سیاسی و بی‌عدالتی، بر دامنهی سانسور اطلاع‌رسانی در رسانه‌ها و اینترنت و بازداشت‌های غیر قضایی افزود. در جمهوری آذربایجان (۱۶۲) تهدید و خشونت و بازداشت به شکل انفجاری رسید. رژیم اقتدارگرای الهام علی‌اف با هدف ممنوع کردن اطلاع‌رسانی از جنبش اعتراضی در زندانی کردن شهروندوب‌نگاران، ربودن روزنامه‌نگاران مخالف و تعطیل کردن رسانه‌های خارجی، تردید نکرد.

اوگاندا (۱۳۹) با حمایت کامل رئیس‌جمهور یوری موسه وینی موجی از سرکوب بی‌سابقه علیه جنبش‌های اعتراضی مخالفان و رسانه‌های مستقل که انتخابات فوریه ۲۰۱۱ را پوشش می‌دادند، به راه افتاد. به همین گونه شیلی (۸۰) که ۴۷ رده را برای نقض آزادی اطلاع‌رسانی از دست داد، بیشترین موارد اعمال خشونت از سوی نیروی انتظامی علیه پوشش خبری اعتراضات جنبش دانشجویی انجام شد. در میان کشورهای قاره امریکا، ایالات متحده امریکا همچون شیلی، با دستگیری وسیع حرفه‌کاران رسانه‌ها برای پوشش خبری جنبش "وال استریت را اشغال کنید" ۲۷ رده از دست داد و در رتبه‌ی (۴۷) قرار گرفت.

کشورهای اروپایی که از دیگر کشورهای قاره کهن فاصله می‌گیرند

دهمین رده‌بندی شاهی بر وجود تفاوت فاحش میان کشورهای اروپایی است. خشونت‌های پس از انتخابات مورد مناقشه ریاست جمهوری لوجنکوف در روسیه سفید (۱۶۸) علت از دست دادن ۱۴ رده برای این کشور است. به هنگامی که ترکیه (۱۴۸) خود را به عنوان نمونه‌ای برای دیگر کشورهای منطقه معرفی می‌کند، شاهد پسرقت فاحش آن هستیم، برخلاف وعده‌های اصلاحات، دستگاه قضایی دستور بازداشت جمعی روزنامه‌نگاران را صادر می‌کند، امری که از زمان کودتا و حکومت نظامی بر ترکیه بی سابقه بود.

رده‌بندی نشانگر نوعی رکود در میان کشورهای اتحادیه اروپا است. از یک سو فاصله‌ای قابل تامل میان کشورهای است که به شکل سنتی دارای رتبه‌ی خوبی در جدول هستند (فنلاند و هلند) و از سوی دیگر کشورهای چون بلغارستان (۸۰)، یونان (۷۰) و یا ایتالیا (۶۱) که عمدتاً به دلیل نبود اراده‌ای سیاسی نمی‌خواهند به تضعیقات نسبت به آزادی رسانه‌ها پایان دهند. فرانسه پیشرفتی اندک داشته است و از رده‌ی ۴۴ به رده‌ی ۳۸ صعود کرده است. در منطقه‌ی بالکان، آزادی مطبوعات بیش از هر زمانی دیگر به چالشی برای انتخاب میان نیاز به هم‌گرایی با اروپا و پذیرش اثرات زیان‌آور بحران اقتصادی بدل شده است.

کشورهای بسیاری همچنان قربانی فرهنگ خشونت‌بار و مصون از پیگرد قضایی، علیه رسانه‌ها هستند. بدون مبارزه‌ای موثر با عدم مجازات این فرهنگ تغییر نخواهد کرد. از جمله این کشورها می‌توان از مکزیک و هندوراس نام برد که در رده‌های ۱۴۹ و ۱۳۵ قرار دارند، پاکستان (۱۵۱) برای دومین سال متمادی مرگبارترین کشور جهان برای خبرنگاران است. نبود امنیت معضل اصلی برای روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در پاکستان و افغانستان (۱۵۰) است که با تهدیدهای دائمی طالبان و افراط‌گرایان مذهبی و جدایی‌طلب تحت فشار قرار دارند. در سومالی (۱۶۴) بیش از بیست سال است که جنگ ادامه دارد و هیچ راه حلی برای هرج و مرج آن پیدا نشده است. تنها روزنامه‌نگاران با پرداخت جان خود هزینه‌ی سنگین این وضعیت را می‌پردازند.

در ایران (۱۷۵) سال‌هاست که سرکوب و تحقیر دوام‌دار روزنامه‌نگاران به فرهنگ سیاسی حاکمیت تبدیل شده است. ادامه حیات این رژیم بسته به سرکوب رسانه‌هاست. این کشور همزمان با بهار عرب در خاورمیانه، همچنان بزرگترین زندان و یکی از سه زندان بزرگ جهان برای روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران بود. عراق (۱۵۲) با از دست دادن ۲۲ رده به جایگاه پیشین خود در سال مرگبار ۲۰۰۸ نزدیک شده است.

تغییرات قابل ملاحظه

دولت جوان سودان جنوبی که با چالش‌های متعددی رو در رو است به جمع کشورهای رده‌بندی وارد شده است و در جایگاه نسبتاً خوبی و در رتبه‌ی ۱۱۱ قرار گرفته است، پیش از این کشور سودان (۱۷۰) در قعر جدول قرار داشت. برمه (۱۶۹) نسبت به سال‌های گذشته و در پی تغییرات سیاسی امیدوار کننده‌ی آخرین ماه‌های سال جاری، که تداوم آن‌ها باید ثابت شود، در موضع بهتری جای گرفته است. نیجر (۲۹) با انتقال قدرت سیاسی در این سال پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را با صعود ۷۵ رده طی کرده است.

در قاره‌ی آفریقا است که رده‌بندی امسال شاهد سقوط‌های جدی است. جیبوتی (۱۵۹) دیکتاتوری کوچک شاخ آفریقا ۴۹ رده از دست داده است. ملاوی (۱۴۶) با تشدید گرایش‌ات توتالیتار رئیس‌جمهورش بینگو و موتاریکا، ۶۷ رده سقوط کرده است. جنگ چند ماهه‌ی پس از انتخابات ساحل عاج (۱۵۹) که آسیب‌های جدی به رسانه‌ها وارد کرد منجر به از دست دادن ۴۱ رده برای این کشور شد. در کشورهای امریکای لاتین سقوط ۴۱ رده‌ای برزیل (۹۹) را افزایش ناامنی و مرگ غمانگیز سه خبرنگار توضیح می‌دهد.

کشتی نوح

رامین کامران



این روزها بسیار صحبت از جبهه میشود و جبهه و شوراسازی مد شده است. عده‌ای چشمشان به دنبال این است که چه کسی جبهه راه میاندازد و چه کسانی را در آن جمع میکند. بعضی در فکر اینند که چه کسی برای پیوستن به کدام جبهه از آنها دعوت خواهد کرد. برخی میترسند هیچکس از آنها دعوت نکند و جا بمانند و دنیا و آخرتشان با هم بر باد برود، پس خودشان آستین بالا زده اند... به هر حال از وقتی آمریکا جبهه ساز و جبهه باز شده، بسیاری یا منتظرند عضو جبهه‌ای بشوند یا اینکه می‌خواهند خود جبهه‌ای راه بیاندازند تا موجودیت سیاسی‌شان مورد شک واقع نشود.

این تب هم بعد از مدتی خواهد خوابید، بخصوص که به تصور من کوششهای جبهه تراش اصلی هم به جایی نخواهد رسید. وقتی او آرام گرفت بقیه هم دنبال مد جدید خواهند رفت. ولی نقداً بد نیست که نگاهی به جریان بیاندازیم.

سرنشینان کشتی

همه میدانند که آمریکا برای به قصد در دست گرفتن اختیار مخالفت با نظام اسلامی تشکیل نوعی جبهه را در برنامه دارد، از نوع همین «کنگره ملی» این کشور و آن کشور که ده سالی است از این طرف و آن طرف مثل قارچ سبز میشود تا دخالت نظامی آمریکا و متحدانش را طلب و توجیه کند و بعد هم مخزنی بشود برای استخراج سیاست بازان دست آموز.

ترکیب این قبیل کنگره ها بسیار روشن است و مثل آش شله قلمکار. مهم این است که افرادی که به هر عنوان، در هر مرتبه و به هر ترتیب میتوان «نماینده» گرایشهای مختلف سیاسی قلمدادشان کرد، گرد هم بیایند. اینکه شناخته شده هستند یا نه، اعتباری دارند یا نه، صداقتی در کارشان هست یا نه... اصلاً مهم نیست. مهم این است که جنس کنگره تراش جور باشد و مثل کشتی نوح از هر جانوری جفتی در کنگره اش یافت بشود. حتی میتوان گفته که هدایت چنین گروهی برای آن دستی که راهش انداخته موقعی آسان میشود که آدمهایی که در آن گرد آمده اند ناشناخته و بی سرمایه و بی صداقت باشند. در این موقعیت، برآمدن چهره ها، به پس صحنه رفتنشان و اصلاً نقشی که بر عهده شان گذاشته میشود، تابع دو امر است. اول سیاست کشوری که خیمه شب بازی را راه انداخته و سپس مانورها و باندبازی های خود اعضا. نمونه هایش را در کشورهای مختلف دیده ایم و می بینیم.

گرایشهایی که باید در چنین کنگره ای «نماینده» پیدا کنند، همانهایی هستند که در میدان می بینیم. چند چپگرای سرخورده و ترجیحاً متمایل به سلطنت که تصور میکنند برای جبران خطاهای دوران جوانی باید درست عکس کارهای آن موقع را انجام داد، چندتایی مذهبی «اصلاح طلب» یا «نوآور» که بتوان به مهمان نشانشان داد («سبزها» را هم جزو همینها حساب میکنم)، یک دو ملی سرگشته و حیران که فقط به اسم مصدق واکنش نشان میدهند، تعدادی سلطنت طلب که به رسم قدیم در خدمت آمریکا باشند، و بالاخره مجاهدین که مدتهاست فرمانبر نومهافطه کاران شده اند. البته برای اینکه گروه آخر بتواند رسماً و به نام خود در چنین کنگره ای شرکت کند باید از لیست تروریستی ایالات متحده خارج شود. تکاپویی هم که میکند برای همین است، برای اینکه از حالت صیغه بیرون بیاید و به عنوان همسر عقدی از تمامی

امکاناتی که آمریکا میتواند برایش فراهم نماید، برخوردار گردد. به هر حال اگر هم اینطور نشد، مجاهدین با اسامی مستعار شرکت خواهند کرد. نمایندگان «اقوام ایرانی» را هم از قلم نیاندازیم. حضور این قبیل نمایندگان خودخوانده برای جا انداختن گفتار فدرالیستی که مانند مورد عراق، مرحله^۱ اول کوشش برای تجزیه^۲ کشور خواهد بود، لازم است. لابد هرکدام حرفی از منطقه^۳ خود خواهند زد و در کنارش همان شعارهای کلی گروه را تکرار خواهد کرد.

برندگان

داور اصلی رقابت همان مرجعی خواهد بود که جبهه را علم کرده و این آمریکاست که مطابق منافع خودش به کسی بیشتر یا کمتر میدان خواهد داد تا برنده^۴ نهایی را خود تعیین نماید. ولی گذشته از این امر، شکل گیری یک جبهه از گروه های سیاسی متنوع به خودی خود دینامیسمی پیدا میکند که تابع خواست هیچ مرجع معینی نیست و هرچند میتوان برای مهارش کوشش نمود، نمیتوان به کلی نادیده اش گرفت. اصولاً این گروه های چندرنگ بهترین میدان برای مانور است و بازی برای یارگیری و منزوی نمودن و حذف دیگران از همان روز اول شروع خواهد شد.

در هر جبهه، بدیهی ترین عامل پیشی گرفتن بر رقبای احراز اکثریت است. ولی این اکثریت نمی تواند به طور مستقیم حاصل گردد چون اگر قرار شود که گروهی از ابتدا تعداد بیشتری از کرسی های عضویت را به خود اختصاص بدهد، دیگران اصلاً پا به راه همکاری با آن نخواهند گذاشت. اکثریت باید طی حیات جبهه و با مانور به دست بیاید.

در جبهه ای که در شرایط حاضر راه بیافتد همگی اعضا خواه و ناخواه و به جد یا از سر تعارف فقط صحبت از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر و «سکولاریسم» و این قبیل مطالب خواهند کرد که مطلوب همگان است – البته هرکدام با برداشتی که بیشتر به کارشان بیاید. معلوم نیست که از روز اول بر فدرالیسم تکیه بشود، ولی زمزمه اش از ابتدا شروع خواهد تا کم کم بسط پیدا کند. با جا افتادن این گفتار واحد تمایزهای ایدئولوژیک بسیار کمرنگ خواهد شد و تفکیک اعضا بر این اساس خیلی آسان نخواهد بود. میماند سابقه^۵ سیاسی آنها. در این مورد هم حتماً یکی از شعارهای اساسی و به هر حال یکی از شروط کار کردن جبهه، اگر نه فراموش کردن، لااقل نپرداختن به گذشته^۶ دیگران خواهد بود و احتراز از اشاره به این قبیل مسائل و تسویه^۷ حساب. طبعاً این امر به نفع گروه هایی خواهد بود که سابقه^۸ درخشانی ندارند. اینها بدون شک با کمال میل بر سر شعارهایی از نوع «به گذشته نگاه نکنیم» یا «به آینده نگاه کنیم» یا... توافق خواهند کرد

و سوء سابقه^۱ یکدیگر را مسکوت خواهند گذاشت. وقتی ایدئولوژی و سوابق سیاسی افراد و گروه‌ها در سایه قرار بگیرد، دو عامل در جهت دادن به رقابت اعضای جبهه وزنه^۲ سنگین پیدا میکند: یکی داشتن چهره‌های چشمگیر و دیگر داشتن سازمان محکم. این امر خود به خود دو گروه را در موقعیت برتر قرار خواهد داد. یکی سلطنت طلبان را که چهره^۳ شاخصی برای عرضه دارند و دیگر مجاهدین را که از سازماندهی قوی برخوردارند و میتوانند با یاری آنهایی که رسماً عضو سازمانشان نیستند، دیگران را بازی بدهند. بقیه در حقیقت طعمه^۴ این دو گروه خواهند بود و دیر یا زود، مگر به قیمت منزوی کردن خود در دل جبهه و یا با قبول کناره‌گیری، در اینها تحلیل خواهند رفت و به طور فعال یا منفعل تن به سیاست اینها خواهند داد. این امر هم ربطی به خواست آمریکا ندارد.

بازندگان

ملی‌گرایان، چپگرایان و مذهبی‌هایی که وارد بازی بشوند از ابتدا در موضع ضعف ساختاری خواهند بود، هم به دلیل نداشتن چهره^۵ شاخص و هم به دلایل ایدئولوژیک. عاقبتشان هم روشن است.

ملی‌گرایان سالهاست گرفتار اغتشاش فکری هستند. شکل‌گیری آنها از بابت تاریخی و از اساس بر لیبرالیسم استوار بوده است ولی اعضای این گروه هیچگاه در شناخت و ترویج این ایدئولوژی کوششی به خرج نداده‌اند و همت خود را متمرکز بر حفظ یاد و خاطره^۶ مصدق و نهضت ملی کرده‌اند. مرور بر خاطرات برای عمل سیاسی کافی نیست و حداکثر با یکی دو ذکر خیر از مصدق که همه میتوانند بر سرش توافق کنند، ختم خواهد شد و دیگر حرفی برای گفتن نخواهد ماند.

چپگرایان هنوز تاوان از هم پاشیدن شوروی را پس میدهند و دچار این مشکل هستند که نتوانسته‌اند لیبرالیسم سیاسی را به طور کامل و جدی بپذیرند و آنرا به سوسیالیسم مورد علاقه‌شان پیوند بزنند و این کل را مبنای پیوستگی گروهی خویش سازند. همبستگی آنها هنوز متکی است به سابقه^۷ تاریخی چپگرایی تندرو و نیز دلبستگی به برخی شاخصهای فرهنگی چپگرایی در ایران معاصر. اولی قابل عرضه نیست و با اهداف رسمی گروه همخوانی ندارد، دومی هم بار سیاسی ضعیفی دارد و کاری از آن برنمیآید.

اسلامدوستان غیرمجاهدی که ممکن است وارد این جبهه بشوند، حتی اگر سرمایه‌شان در وهله^۸ اول و به چشم افراد سطحی‌نگر، قابل استفاده جلوه کند، روز به روز تحلیل خواهد رفت. زیرا قطب اصلی اعتباریابی اسلامگرایی در ایران معاصر، این نظامی است که خمینی برپا کرده و هرچه به مرگ این نظام نزدیکتر بشویم، به همان نسبت از اعتبار

گروه های متفرقه^۱ اسلامگرا نیز کاسته خواهد گشت و هنگامی که کار به پایان رسید اصلاً^۲ اعتباری برای اینها باقی نخواهد ماند. گفتم «غیرمجاهدان» چون گروه اخیر حتماً^۳ با شعار سکولاریسم یا لائیسیته وارد میدان خواهد شد و تناقض آنرا با ایدئولوژی خود یا حتی سر و وضع اعضایش به روی مبارک نخواهد آورد. به هر صورت انقلاب کراواتی مدتها پیش در دل مجاهدین انجام شده و همیشه تعدادی زن بی روسری هم در صفوفشان بوده است که در روز مبادا به کار بیاید.

جبهه^۴ دوقطبی

با در نظر گرفتن آنچه که گفته شد، احتمال اینکه جبهه^۵ فرضی به سرعت حالت دوقطبی پیدا کند، بسیار است. یک قطب آن که حتی اگر صورت رسمی پیدا نکند، به سرعت تثبیت خواهد شد، از آن مجاهدین خواهد گشت و قطب مقابل که به صورت مکانیکی در برابر این یکی شکل خواهد گرفت و همه^۶ کسانی را که تمایلی به مجاهدین ندارند به سوی خود خواهد کشید، به احتمال قوی حول وارث تاج و تخت گرد خواهد آمد. حضور خود وی در جبهه برای این کار الزامی نیست و احتمال اینکه از سر احتیاط و محض حفظ برتری موقعیت ارثی خویش، از گروه بیرون بماند کم نیست. توجه داشته باشیم که این هر دو قطب با آمریکا روابط حسنه دارند و از سوی این کشور تقویت خواهند گشت. در حقیقت انتخاب اصلی آمریکا همین دو تا هستند. ولی جالب اینجاست که تا آنجا که به نظر میاید، صرفنظر از برنامه^۷ آمریکا، اصلاً^۸ دینامیسم خود جبهه هم اینها را جلو خواهد انداخت.

میمانند «نمایندگان اقوام» که حرف اصلیشان همین فدرالیسم خواهد بود و برعکس اسلامی ها، به تناسب نزدیک شدن به پیروزی وزنه^۹ بیشتر پیدا خواهند کرد، البته به خواست ارباب. گفتار آنها در حقیقت برای هر دو قطبی که ذکر شد پذیرفتنی است و نشانه هایش هم تا همینجا دیده شده است. بنابراین حاجتی به تمایز سیاسی شان از این دو نیست.

جامانندگان

در ابتدای مطلب اشاره کردم که تب جبهه و شورا همه را گرفته است و باز هم یکی از این هیجانات ادواری و پوچی را که نمونه هایش را بارها شاهد بوده ایم، دامن زده. نتیجه ای که میخوام در پایان بگیرم متوجه به آنهایی است که فکر میکنند اگر از کشتی جا بمانند در توفان غرق خواهند شد.

اول از همه معلوم نیست چنین جبهه ای راه بیافتد. چند سال است که نومحافظه کاران آمریکا به این خیالند که سلطنت طلبان و مجاهدین

را به هم پیوند بزنند و از آن هیولایی بسازند که جمهوری اسلامی را بخورد. اول اینکه پیوندشان تا به حال نگرفته و دوم اینکه اگر هم بگیرد چندان موجود خطرناکی از آب در نخواهد آمد و کاری از آن برنخواهد آمد به این دلیل اساسی که مردم عنایتی به هیچکدام این دو گروه ندارند. تنها کسانی که از این جبهه میترسند آنهایی هستند که نگران جا ماندن از کشتی نوحند. باید گفت اگر سوار بشوید حتم است که همسفران میخورندتان. بهتر است بر ساحل بمانید و به اخبار هواشناسی که از رادیوهای خارجی میشنوید زیاده از حد دل ندهید. گاه گاهی هم به آسمان نگاهی بیاندازید، ضرری ندارد.

مأخذ: iranliberal.com

دموکراسی جنگی یا افسون دیوانه وار بدن ها!



ناصر فکوهی

صحنه تحمل ناپذیر رابطه بدن این جوانان جنگجو و صاحب نام و نشان، با کالبد های سالم و قوی و سرشار از نشاط و خنده رویی و لذتی که از عمل خود می برند و آن بدن های بی جان، آن اجساد گمنام و بی نام و نشان، خون آلود، در هم ریخته ، فروپاشیده و در نهایت فرو خفته در نوعی «بی تفاوتی» و «انفعال» مرگبار، به ناچار تصویر و واقعیت رابطه دو جهان ثروتمند و فقیر، دو جهان سامان یافته و نا به سامان را برای ما القا می کند؛ گویی زمزمه توهمات را می شنویم که به صداهایی محسوس تبدیل می شوند، به دعا هایی که سر به آسمان بلند می کنند.

تصاویر ویدیویی که از اواخر هفته گذشته (۲۱ دی ماه ۱۳۹۰ / ۱۱ ژانویه ۲۰۱۲) در قالب یک فیلم کوتاه ویدیویی در شبکه های اینترنتی به گردش در آمد، ظاهرا کابوسی که گروهی معتقد بودند می توان و باید به فراموشی سپردش (زندان ابوغریب) را در اذهان بیماری که هنوز تصور می کنند رسیدن به اهداف بالای اخلاقی و اجتماعی و

سیاسی از جمله دموکراسی، از خلال جنگ امکان پذیر است، زنده کرد: چهار تفنگدار دریایی امریکایی در حال ادرار کردن بر اجساد افغان هایی که ظاهراً در درگیری با آنها کشته شده اند! این ویدیو به سرعتی باور نکردنی میلیون ها بار در یوتیوب دیده شد و چنان ضربه ای به نظام های شناختی و افکار عمومی وارد کرد که نه تنها پنتاگون بلافاصله از پی گیری و اجرای «سخت ترین مجازات» علیه این تفنگداران (که در حال حاضر همگی آزاد هستند و تنها بازجویی شده اند) صحبت کند، بلکه بار دیگر رابطه واقعی هژمونیک میان فرهنگ ها در جهان امروز را، در حقیقت خود و نه در گفتمان های زیباسازی شده (eugenized) و فرازش یافته (sublimed) استعماری و پسا استعماری آن، به نمایش در بیاید.

واقعیت در آن است، که آنچه در این فیلم دیده می شود، نه به دلیل ذات عمل شنیع انجام شده، بلکه بیشتر به دلیل گذشتن از مرز یک «تابو» که ویرانی و ویرانگری یک نظام اخلاقی را در اوج خود نشان می دهد، تحمل ناپذیر است: بدن هایی قدرتمند، مسلح، خندان و پر نشاط که بر اجساد بی دفاع، لاغر و نحیف و از کار افتاده که احتمالاً پیش از مرگ فیزیکی خود نیز بدن هایی بیمار و گرسنه بوده اند، ادرار می کنند. نمادگرایی این صحنه، برغم تحمل ناپذیری اش، به حدی بالا است که نمی تواند به تنهایی نظام کنونی جهان را به تصویر بکشد: جهانی که در آن قدرت و پول حرف نخست را می زنند و جنگ در تصویری از نوعی اشرافیت دروغین تعریف و تبیین می شود که هرگز در تاریخ وجود نداشته است: تصویری واژگون نسبت به تصاویر زیبا و قهرمان سازی شده از جنگ های خیالین نیروهای «آزادی بخش» سخن می گویند که به همراه خود آزادی و دموکراسی و چشم اندازهای روشن و طلایی برای جهانی آرام و آرامش بخش را به همراه می آورند، هر چند «ناچار بشوند» برای رسیدن به این اهداف مقدس، «خشونت های کوچکی» نیز از خود نشان دهند: ماکیاولیسم در بدترین و کج فهم ترین درک از آن؛ تصویری که هم بسیار به واقعیت کثیف (در معنای فیزیکی کلمه) جنگ نزدیک است و هم به فرهنگ کنشگرانی که آن را انجام می دهند. در بسیاری از تفسیرهایی که در امریکا و اروپا درباره این «واقعیه» بیان شدند، بر دو نکته اساسی تاکید شده بود:

نخست آنکه این واقعه، در حقیقت یک «واقعیه» نیست، بلکه گویای رویدادهایی «پیش پا افتاده» و «روزمره» است که در تمام جنگ هایی که لااقل اروپا در طول صد سال اخیر شاهدش بوده است به کرات اتفاق افتاده و اگر اینجا توهین و تحقیر و شکنجه و آزار و بی رحمی نثار

اجساد بی جان می شود، در بسیاری از آن موارد بی شمار، زندگانی هدف بوده اند که رنج و درد و تحقیر را در معنای جسمی و روحی آن تا عمق وجود خود حس می کرده اند و اگر هم از این ماجراها زنده بیرون آمده باشند، زندگی برای مابقی عمر برایشان به یک کابوس شکنجه وار بدل شده است.

و سپس آنکه کنشگران این واقعه، «امریکایی» هایی واقعی و امروزی هستند که نه لزوماً از آن جهت که در جنگ و در افغانستان هستند، بلکه به مثابه رفتاری «روزمره» چنین می کنند، شاید صرفاً برای سرگرمی و از آنچه می کنند فیلم «یادگاری» نیز می گیرند تا لذت را برای خود ابدی کنند، خشونت روزمره و درونی شده در جامعه ای که همه ارزش ها را به کالاهایی قابل مبادله کرده است و الگوی کثیف در تمام معانی فیزیکی و ذهنی خود را به تمام جهان تسری داده است و هر چند سال یکبار، تصمیم بدان می گیرد که زندگی مردمان جهان را به گونه ای دیگر که بیشتر با منافع مقطعی اش هماهنگی دارد، در بیاورد. جامعه ای ورشکسته از لحاظ اقتصادی، اما بر پا و استوار به توان قدرت نظامی و حضور جهانی نظامیان خشن و بی رحمش در کنار دیکتاتورهای دیروز و امروز و فردایش که خود یا مستقیماً بر سر کار آورده شان و یا به قدرت یافتن آنها مستقیم و غیر مستقیم یاری رسانده، می رساند یا خواهد رساند.

صحنه تحمل ناپذیر رابطه بدن این جوانان جنگجو و صاحب نام و نشان، با کالبد های سالم و قوی و سرشار از نشاط و خنده رویی و لذتی که از عمل خود می برند و آن بدن های بی جان، آن اجساد گمنام و بی نام و نشان، خون آلود، در هم ریخته، فروپاشیده و در نهایت فرو خفته در نوعی «بی تفاوتی» و «انفعال» مرگبار، به ناچار تصویر و واقعیت رابطه دو جهان ثروتمند و فقیر، دو جهان سامان یافته و نا به سامان را برای ما القا می کند؛ گویی زمزمه توهماتی را می شنویم که به صداهایی محسوس تبدیل می شوند، به دعا هایی که سر به آسمان بلند می کنند:

از یک سو: دعا و توهم جهان سومی های بیچاره ای که نمی دانند باید بر گذشته و اکنون خود بگریند یا بر آینده ای که هر روز چشم اندازهایش تیره تر می شود؛ جهان سومی هایی حتی از نوع «روشنفکر و دانشگاهی» اش که هم اصرار دارند همه این تصاویر و سخنان و نوشته ها را تبلیغات دشمنان دموکراسی به حساب می آورند و از جهان اولی ها نیز سر سختی بیشتری برای نفی «تعمیم داشتن» این «رفتارهای شنیع یک گروه اقلیت» در «دموکراسی های پیشرفته» اصرار می ورزند و حتماً

آرزو و اطمینان‌شان آن است که جنگ برای آنها معنا و «دست‌آورد»‌هایی دیگر خواهد داشت و نه چون زنجیره‌ای از هزاران هزار بار تکرار جنایات و پستی‌ها و بی‌رحمی‌ها، بلکه به مثابه جشنواره از «نور و شادی» بروز خواهد کرد و قلب تاریخ، برای یک بار هم که شده، نه بر اساس خشونت و بی‌رحمی و شقاوت، بلکه برای دل آنها و بر اساس قوانین احساسی و احساسات طریف و هر چند ابلهانه ایشان خواهد تپید.

و اما از سوی دیگر: دعا و توهم بسیاری از امریکایی‌های «پوریتن»، و مسیحیان کاتولیکی که هنوز روزهای یکشنبه از خواب برخاسته، جامگان پاکیزه خود را بر تن می‌کنند و در شهرها و روستاهای کوچک و دور افتاده خویش به کلیسا‌های زیبای محلی خود می‌روند و پای صحبت کشیشانی می‌نشینند تا برایشان از پاکی روح انسانی و ضرورت اعتراف به گناهان‌شان برای آمرزش سخن بگویند. همه آدم‌های ساده‌ای که گاه خود را بسیار پیچیده می‌پندارند تا جدی که هنوز بر این باورند که خواهند توانست جهان آینده را با صلح و پاکی و صفا و دموکراسی بر اساس پایه‌ها و اعمال بی‌رحمانه‌ای بر پا سازند که به زور جنگ و خونریزی، به زور فرو ریختن بمب‌ها و کشتن و به آتش کشیدن غیر نظامیان، به زور کودتاهای بی‌شمار (ایران مصدق، شیلی آلنده، ...) و نابودی شانس‌های دموکراسی آنجا که حقیقی بودند و به ارمغان آوردن «دموکراسی»‌های دروغین آنجا که دیگر تقریباً هیچ شانس‌ی برای تحقق ندارند، پاداشی است که خداوند نثار فرزندان‌شان می‌کند: فرزندان‌ی با بدن‌هایی سفید، زیبا، شاداب و سالم و پرنشاط تا به جنگ شیاطین رنگین، زشت، خشمگین، آلوده و ملال‌آور بروند.

آمین!

بیانیه‌ی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

در باره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی

انتخابات مجلس شورای اسلامی قرار است در اسفند ماه آینده برگزار

شود. شرایط سیاسی و اجتماعی که این انتخابات در آن برگزار می‌شود به آن ویژگی‌هایی می‌بخشد که توجه به آنها ضروری است. این ویژگی‌ها انتخابات مذکور را از دوران‌های انتخاباتی پیشین در جمهوری اسلامی و از جمله از انتخابات ریاست جمهوری در سال 88 متمایز می‌سازد. وجه مشخصه نخست این است که این انتخابات پس از تجربه‌ی سال 88، آن تقلب بی سابقه و تاریخی و آن برآمد پرشکوه جنبش اعتراضی برای حق انتخاب و حقوق شهروندی، انجام می‌پذیرد. دوم اینکه پس از روندهای طی شده، جمهوری اسلامی با بیرون راندن اصلاح‌طلبان درون خود به بیرون از دایره قدرت، دیگر توان و یارای پذیرش رقابت کنترل‌شده نیروهای درون نظام را از کف داده است. این دو ویژگی زمینه را برای سازماندهی گسترده و پیروزی آشکار یک جنبش فراگیر تحریم انتخابات فراهم آورده است.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، بخشی از مردم برای ایجاد روزنه و گشایشی در زندگی روزمره خود و بخشی برای ایجاد تغییرات و دگرگونی از طریق پشتیبانی از نامزدهای اصلاح طلب درون حکومت که برخی از خواسته‌های مردم را در برنامه‌های خود بازتاب داده بودند، شرکت کردند. انفجار خواسته‌های انباشته شده و سیر پیشرفت روندها کنترل را از دست جناح‌های حکومت خارج ساخت. آن تقلب آشکار و توهین آمیز نقطه سرریز و برآمد جنبشی دموکراتیک، جنبش سبز، شد که در آغاز در اعتراض به پایداری خشن حق رای شکل گرفت و در روند خود و در بخش مهمی از آن به نفی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و هنجارهای نظام سیاسی حاکم فراروئید. سرکوب خونین و جنایتکارانه جنبش اعتراضی به انفراد و بی آبرویی بیش از پیش حکومت‌گران در نزد بخش‌های وسیعتری از مردم انجامید و ریزش‌های سیاسی در میان خودی‌های رژیم را نیز به همراه داشت. اینک پس از تجربه‌ی انتخابات سال 88، عواملی چون نفی حکومت، بی‌اعتمادی نسبت به سازوکارهای انتخاباتی و عدم شرکت در انتخابات مدیریت شده و گزینشی ولایت فقیه و شورای نگهبان دست نشانده‌ی آن، روانشناسی حاکم بر اکثریت بزرگی از مردم بویژه در شهرهای بزرگ را تشکیل می‌دهند.

از جانب حکومت‌گران جمهوری اسلامی نیز تجربه‌ی ۸۸ تکرار نخواهد شد. جناح‌های حاکم با حذف اصلاح‌طلبان سابق حکومتی از دایره قدرت، همه‌ی امور و جوانب کار را در دست خود قبضه کرده‌اند. این انتخابات چیزی نخواهد بود جز بازی "رقابت" میان جناح‌های پر و پا قرص حفظ ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و ادامه‌ی سیاست دیکتاتوری و سرکوب در جهت تقسیم قدرت و ثروت (رانت نفتی) میان خود و این همه تحت

اقتدار، نظارت و قیومیت نهاد ولایت فقیه و سپاه پاسداران.

علاوه بر این، اصلاح‌طلبان سابق حکومتی نیز در شرایطی قرار دارند که پس از رویدادهای دو سال اخیر، در بخش وسیع‌شان، ناگزیر تن به عدم شرکت در چنین انتخاباتی خواهند داد. سرانجام اپوزیسیون خارج از کشور نیز، چه بخش‌های رادیکال و ساختارشکن و چه بخش اصلاح‌طلب آن، به سوی تحریم انتخابات قدم برداشته و برخوانند داشت.

در کنار تاکید بر ویژگی‌های برشمرده سیاسی- اجتماعی کنونی، لازم به تصریح است که انتخابات در جمهوری اسلامی همواره در درازای تاریخ‌اش با انتخابات متعارف آزاد و دموکراتیک هم‌خوانی نداشته است. انتخابات زمانی به معنای واقعی و حقیقی کلمه «انتخابات» است که آزادی انتخاب کردن و نامزد شدن وجود داشته باشد. «انتخابات آزاد» تنها در شرایط وجود آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماعات، پلورالیسم سیاسی، برابری احزاب و سازمان‌ها در استفاده و بهره‌بری از امکانات انتخاباتی و رسانه‌ای و همچنین در شرایط بی‌طرفی سازمان‌دهندگان و برگزارکنندگان انتخابات و ناظرین بر آن معنا و مفهوم پیدا می‌کند. تمامی این شرایط و ملزومات برای اجرای انتخاباتی آزاد و دموکراتیک و برابری در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران هیچ گاه فراهم نشده و فراهم نمی‌باشند.

بر مبنای تحلیل فوق از شرایط سیاسی- اجتماعی حاکم بر کشور و این انتخابات، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران مخالفت صریح خود را با شرکت در چنین مضحک‌ای اعلام می‌دارد. ما طرفدار تحریم بدون قید و شرط انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم. برگزاری انتخابات آزاد با تمام پیش‌شرط‌های آن و از آن جمله تامین نظارت بین‌المللی می‌تواند به آماج مشترک آزادی خواهان ایران تبدیل شود. ما بر این باوریم که جمهوری خواهان طرفدار جدایی دولت و دین باید شعار انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس مؤسسان به منظور ایجاد نظامی آزاد و دموکراتیک را مطرح کنند و بر این نظریه که شرط اول تحقق جمهوری و دموکراسی نقش تعیین‌کننده مردم در سیاست کشور و بخصوص نقش آنها در تدوین قانون اساسی جدید بر مبنای جمهوری، دموکراسی، لائیسیته و سکولاریسم است.

همان گونه که تاکید شد اکنون شرایط سیاسی- اجتماعی برای گرد آمدن اکثریت بالایی از مردم حول سیاست تحریم انتخابات مهیا گشته است. جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران به سهم و توان خود می‌کوشد این سیاست هرچه پرتوان‌تر به اجرا در آید و در صورت فراهم

شدن دیگر شرایط، به جنبش اعتراضی گسترده و فراگیری در راه نفی نظام جمهوری اسلامی فراروید.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۹ دی ۱۳۹۰ - ۱۹ ژانویه ۲۰۱۲

قریب به ۸۰۰ فقره نقض حقوق بشر، ۶۰۰ نفر اعدام

فرهنگ قاسمی

بر اساس آمار استخراج شده از گزارشات ماهانه هرانا در سال ۲۰۱۱ تعداد موارد نقض حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران قریب به ۸۰۰۰۰ فقره است، در همین سال تقریباً ۶۰۰ نفر در ایران اعدام شدند، بیش از ۴۰۰۰۰ کارگر از کار بیکار شدند. آمار و گزارشات حاکی هستند که در این سال بیشترین تجاوزات به حقوق زندانیان اعمال شده است، تجاوزات حقوق صاحبان اندیشه در ردیف دوم و در ردیف سوم و چهارم حقوق کارگران و دانشجویان قرار می گیرند.

این گزارش بر اساس آمار استخراج شده از گزارشات ماهانه هرانا در سال ۲۰۱۱ تهیه شده است. این آمار شامل موارد نقض حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این آمار شامل موارد نقض حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این آمار شامل موارد نقض حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

دیباچه

شصت و سه سال پیش (۱۹۴۸) سازمان ملل متحد، منشور جهانی حقوق بشر را به تصویب رسانید. این منشور که عمدتاً از میثاق حقوق بشر و شهروندان (۱۹۷۸) فرانسه الهام پذیرفته است به همت رنه کسن (۱) و جان پترس همفری (۲) تنظیم گردید. این سند جهانشمول، بیانگر حقوق اساسی تمامی انسان ها است. برخی بر این نظرنند که ارزش های مطرح شده در آن به دشواری قابل دستیابی هستند! در اینجا این سوال مطرح می شود، آیا سند یا نظریه ای در تاریخ وجود داشته است که به

آسانی قابل دستیابی بوده باشد ؟ اما از سوی دیگر نمیتوان انکار کرد آنچه که در جهان از زمان تصویب این منشور تا به امروز می گذارد تا حدی به طرفداران این نظریه حق می دهد، زیرا اجرای مفاد مندرج در این سند انسانی نیاز به تحولات فرهنگی در جوامع از یک سو و بازوی اجرایی سازمان ملل متحد از سوی دیگر داشته و دارد. وانگهی نباید از نظر دور داشت که منشور جهانی حقوق بشر در واقع دو خواست اساسی یعنی عدالت و صلح را که انسان از بدو تاریخ برایش مبارزه می کند می طلبد. این دو خواست انسانی بدون پیشرفت و امنیت قابل دستیابی نیستند. زیرا در جهانی که هر روز وابستگی بین ملت ها بیش از پیش قوت یافته و پیچیده تر می شود پیشرفت و امنیت نمی توانند جدا از حقوق انسانی عمل کنند. نمی توان بدون برخورداری از رشد به امنیت رسید، همانطور که نمی توان بدون امنیت به رشد دست یافت. هرکدام از این دو اصل وابستگی بنیادی به حقوق بشر و دولت قانونمدار دارد. پس درحاکمیت هایی که این دو اصل را رعایت نکنند پیشرفت و امنیت که هر دو لازمه صلح و عدالت اند هرگز تحقق پذیر نخواهد بود .

سال ۲۰۱۱ شاهد قیام ملت هائی است که برای احقاق حقوق خود به پا خواستند و در اثر همبستگی بین المللی توانستند چشم انداز بهتری را از آینده خود ترسیم کنند. در برخی از کشور ها با اینکه دیکتاتور سرنگون شد، اما هنوز تلاش بر این است که حاکمیتی متکی بر استبداد و سنت های واپسگرا سلطه خود را حفظ کند و در برخی دیگر فراروند گذار از دیکتاتوری و حرکت به سوی دموکراسی در تلاشی سازنده است. روشنفکران و آزادیخواهان عدالت طلب، همه از بهاران عرب خشنود اما گمان می رود که حتی " بهاران شقایق نروید ز سنگ".

مقدمه

این " دیباچه " در واقع تبیین حوادثی است که در سال ۲۰۱۱ در کشورهای اتفای افتاد که اصول بالا را رعایت نکردند پس باید نتیجه گرفت که برآستی و بی تردید، نظام هائی که حقوق بشر و دولت قانونمدار را رعایت نکنند، عاقبت بن علی و قذافی و اسد و مبارک را باید انتظار بکشند، که جمهوری اسلامی ایران و خامنه ای از آن قماش اند .

آنچه که در سال ۲۰۱۱ از نقطه نظر حقوق بشر در ایران اتفاق افتاد نقطه تقارب خطوط بیعدالتی هاست که تاریخ تجاوزات به حقوق مردم ایران را در این سی و سه سال اخیر تعین می کند. به عبارت دیگر

سال ۲۰۱۱ تکامل تاریخی توحش نظام جمهوری اسلامی باید محسوب شود که از ویژگی های تبعیض گرایانه ای بر خوردار است که در تمام حوزه های زندگی شهروندان ایرانی بشدت رسوخ کرده است . طی این سی و سه سال، تجاوزات متوالی به حقوق انسان توالی منطقی ای را بوجود آورده است که از مدنیت و مدرنیته فرسنگ ها فاصله دارد، با منطق مبتنی بر مبانی آزادی عقلی دشمنی می کند و بر غریزه کور، اقتدار مطلق ولایت فقیه استوار است. به همین دلیل تمامی آمار و مشاهدات و تحقیقات و گزارشات رسمی و غیر رسمی حاکی از این است که در سال ۲۰۱۱ جمهوری اسلامی ایران در اثر زیر پا گذاردن حقوق بشر و قوانین بین المللی به مرتبه بالائی از عدم مشروعیت و انزوای سیاسی خود رسیده است.

✖ در سال ۲۰۱۱ آقای بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل، آقای احمد شهید را به عنوان گزارشگر ویژه برای رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در ایران گماشت. (۳) این انتخاب مورد تائید و باعث خشنودی طرفداران حقوق بشر در ایران و مورد استقبال اپوزیسیون قرار گرفت، تا جایی که عده ای از روشنفکران و نویسندگان در نامه سرگشاده یی از این اقدام استقبال کردند و خواستار شدند تا گزارش او در باره وضعیت حقوق بشر در ایران هرچه زودتر انتشار یابد. (۴) تمامی طیف های مخالف رژیم اسناد و مدارک مربوط به نقض حقوق بشر را برای آقای احمد شهید ارسال داشتند. (۵) از آنجمله پیگیری های روزمره و اقدامات مسولانه آقای کریم لاهیجی نایب رئیس فدراسیون بین المللی حقوق بشر، در این زمینه از ارزش شایان توجهی برخوردار بوده و قابل قدر دانی است.

بر اساس آمار استخراج شده از گزارشات ماهانه هرا نا در سال ۲۰۱۱ تعداد موارد نقض حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران قریب به ۸۰۰۰۰۰ فقره است، در همین سال تقریبا ۶۰۰ نفر در ایران اعدام شدند، بیش از ۴۰۰۰۰ کارگر از کار بیکار شد ند. (۶)

آمار و گزارشات حاکی هستند که در این سال بیشترین تجاوزات به حقوق زندانیان اعمال شده است، تجاوزات حقوق صاحبان اندیشه در ردیف دوم و در ردیف سوم و چهارم حقوق کارگران و دانشجویان قرار می گیرند.

از نقطه نظر منطقه ای تهران در ردیف اول نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی قرار و پس از تهران، آذربایجان و کردستان ردیف های بعدی را اتخاذ می کنند. (۷)

در این سال همینطور لیست کامل تازه ای از کشتار های سال های شصت انتشار یافت. سازمان های حقوق بشری ایرانی قادر شدند اسناد و مدارک محکمی را به مقامات بین المللی حقوق بشری و دادگاههای مسول جهانی ارائه دهند. سخن از آن می رود که پرونده یی علیه علی خامنه ای، به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه گردد تا سازمان ملل از دیوان بین المللی کیفری لاهه بخواهد که او را به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه کند.

بهنگام اجلاس های جانبی در شورای حقوق بشر در فاصله روزهای ۱۰ تا ۱۶ مارس ۲۰۱۱ یک تجمع سراسری در شهر ژنو در روز ۱۴ مارس در برابر مقر سازمان ملل متحد در شهر ژنو برگزار شد این کارزار توسط اپوزیسیون طرفدار حقوق بشر برای افشای موارد عدیده نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی تدارک دیده شد که در آن بسیاری از ایرانیان از اقصی نقاط اروپا شرکت داشتند.

عامل مهم دیگری که امسال در ارتباط با حقوق بشر مشاهده می شود، شمار سازمان های فعال حقوق بشری است که افزایش قابل توجهی یافته است. وانگهی بسیاری از سازمان های سیاسی در اصول و عقاید سیاسی خود، بندی را به حقوق بشری اختصاص داده اند و حتی گاهی در تیتراژ خود عبارت حقوق بشر را منظور داشته اند. سازمان دهندگان کوشش برای همبستگی اپوزیسیون ایران نیز این وظیفه مهم را بدرستی دنبال می کنند. این همه برای آینده میهن ما امید آفرین و از منظر من که چندین دهه از عمرش را در راه و اشاعه اندیشه احترام به حقوق بشر و حقوق انسانی صرف کرده بسیار با اهمیت است. امروز برایم سخت نا پذیرفتنی است که قبول کنم، همه کسانی که در این روز های سخت تابلو های حقوق بشر را بلند کرده اند این مفهوم و آن مسئولیت بزرگ را بدرستی شناخته باشند. هراس دارم که، شاید نه امروز، بلکه فردا حقوق بشر را به یک مقام و موقعیتی یا به مرام و مکتبی فدا کنند. بهر حال، باید امیدوار بود که طرفداری از حقوق بشر، تقلیدی و طوطی واری و وسیله نبوده باشد و اندیشیده و بنیادی باشد و در رفتار روزمره ما، از جلسات و مباحثات کوچک به ظاهر بی ارزش شروع شده در سطح جامعه نشو و نمو پیدا کند.

جا دارد یاد آور شوم، قبل از انقلاب و همینطور در خلال آن، در جمع کوچکی در چارچوب یک سازمان حقوق بشری روی رعایت اصول حقوق بشر پا می فشرديم. روزی به حکم وظیفه، حمله به دانشگاه تهران و کشتار هم میهنان کُرد را محکوم می کردیم، و روزی از حقوق انسانی و آزادی بیان کتک خوردگان طرفدار زنده یاد شاپور بختیار در “سپه

یونیورسسته پاریس « دفاع می کردیم، فحش و چماق حزب الله و سازمان پیکار و حزب توده ایران و سازمان چریک های اکثریت را یک جا می خوردیم. حتی وقتی یکی از دو طرف دعوا، یعنی برخی از بختیاری ها می کوشیدند اصولی که ما از آنها دفاع میکردیم را با دفاع از بختیار ملغمه کنند، طرف دیگر، ما را ضد انقلاب، نوکر خارجی، بورژوا، لیبرال می خواند، آن روز ها هرگز گمان نداشتم که روزی دفاع از حقوق بشر چنین دامنه بزرگی پیدا کند، و برخی از آن کسان، امروز مدافع حقوق بشر بشوند. اگر این امر درست باشد جامعه ما رشد بزرگی کرده است !

بعد از آن دیباچه کوتاه و این مقدمه، به موقعیت حقوق بشر در ایران می پردازیم. بر خلاف کارنامه سال ۲۰۱۰ که آنرا سال گذشته انتشار دادیم، که بخشی از آن در مقابل اجلاس سازمان اروپا در اسلو در اکتبر ۲۰۱۰ تحت عنوان جهانشمولی حقوق بشر توسط نویسندگان این سطور ایراد و بیان شد و تکمیل یافته آن به دو زبان فرانسه و انگلیسی در اختیار بیش از یکصد نفر از خبرگان سازمان ملل و سازمان حقوق بشر اروپا و قرار گرفت. (۸) امسال در این بررسی، علاوه بر بیان موضوعی تجاوزات نسبت به حقوق بشر در ایران، در هر مورد بطور مختصر، به بیان شواهد عینی نیز پرداخته ایم. برای جلوگیری از طولانی شدن این نوشته، درعین حال که در متن هر مبحث اشاراتی به موارد عینی شده است، در پا نوشت ها نیز، لینک هر مورد را رفرانس میدهم تا علاقمندان بتوانند نسبت به جزئیات مطالب و شواهد وقوف واقع بینانه تری حاصل نمایند. در سال ۲۰۱۱ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، ۱۳ آبان، با انتشار نتایج بررسی های مسئولی خود، نگرانی اش را از وضعیت حقوق بشر در ایران و نقض گسترده موارد متعدد کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی ابراز نمود.

همینطور باید یاد آور شد که شاید این نوشته برای برخی از خوانندگان گرامی طولانی بنظر آید، اما واقعیت امر این است که دامنه جنایات و تجاوزات و بی قانونی های این رژیم آنچنان گسترده است که این نوشته تنها اختصار کوچکی از واقعیت موجود می تواند باشد. وانگهی در انتخاب شواهد کوشش شده، موارد مهمی که قابل دسترس ما بوده اند آورده شوند. بی شک در این انتخاب از کاستی کمّی و کیفی مصون نبوده ایم. پس هم خوانندگان، ما را در این امر ببخشند و هم اگرعلاقه داشتند، در آخر این نوشته، دربخش "نظر شما" که در انتهای مقالات منتشر شده در "تارنمای جامعه رنگین کمان" موجود است ملاحظات خود را تذکر دهند و با اینکار خشتی بر این بنا

بنهند تا شاید از نقائص این مختصر کاسته شود.

موارد بیست و پنج گانه تجاوز به حقوق بشر در ایران

۱ - مدافعین حقوق بشر، نرگس محمدی، عبدالفتاح سلطانی... در زندان اند

✗ دفاع از حقوق بشر در ایران ممنوع است. در ایران هر کسی از حقوق بشر سخن بگوید مجرم شناخته شده نوکر خارجی قلمداد می‌شود یا به دادگاه‌های فرمایشی جمهوری اسلامی احضار شده و یا مستقیماً به زندان انداخته می‌شود. استفاده از واژه حقوق بشر باید مشروط به هویت‌های اسلامی باشد. (۹) خانم نرگس محمدی یکی دیگر از نمونه های بارز این مجرمیت است که دادخواهی او در سال ۲۰۱۱ در تمام جهان و سازمان های حقوق بشری مطرح است. (۱۰)

عبدالفتاح سلطانی، وکیل حقوق بشری و عضو موسس کانون مدافعان ✗ حقوق بشر، که در ۱۹ شهریور ۱۳۹۰ دستگیر شد، اخیراً بازجو او را تهدید کرده که به اتهام «مشارکت در تاسیس کانون مدافعان حقوق بشر»، «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «تحصیل مال نامشروع» از طریق دریافت جایزه حقوق بشر شهر نورنبرگ در سال ۱۳۸۸، به ۲۰ سال زندان محکوم خواهد شد، سلطانی پس از دستگیری در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در داخل زندان اوین در حبس انفرادی نگه داری می‌شود. آقای امیر اسلامی، عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای ایران و وکیل دراویش گنابادی، که از ۱۳ شهریور در بازداشت انفرادی به سر می‌برد به دلیل وضعیت وخیم جسمی به بهداری زندان اوین منتقل شد. وکلای دیگر دراویش گنابادی که در بازداشت هستند عبارتند از: آقایان فرشید یداللهی، امید بهروزی، افشین کرمپور، رضا انتصاری و حمیدرضا مرادی. آقای مرادی نیز دچار بیماری قلبی است. هر شش نفر در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در داخل زندان اوین در حبس انفرادی نگه داری می‌شوند. از زمان بازداشت تاکنون، هیچ یک از آنها اجازه ملاقات با خانواده یا وکلای خود را نیافته اند. (۱۱) محمد سیفزاده، عضو هیئت موسس کانون مدافعان حقوق بشر از اواخر اردیبهشت ماه سال جاری در زندان اوین در حال گذراندن دوره‌ی دو ساله‌ی محکومیت خود است.

۲- آزادی اندیشه و بیان، موضعگیری ۹ سازمان بین المللی و ایرانی

✗ حق بیان و اظهار نظر، نگاشتن مقالات در شرائط آزاد، گردهمائی و گفتگو، بحث آزاد، اعلام تظاهرات، شرکت در تظاهرات و انتقاد به مسائل، اعتصاب در مدرسه، دانشگاه، کارخانه و ادارات دولتی و

خصوصی به شدیدترین شکل سرکوب می‌شود. مردم ایران به هیچوجه قادر به استفاده از حقوق شهروندی خود نیستند. (۱۲) هر روز قوانین تازه ای در جهت از بین بردن حقوق مدنی در حال تصویب است. در سال ۲۰۱۱ دولت جمهوری اسلامی دست به اقدام دیگری را در این زمینه زد. (۱۳) این تجاوزات از همان نخستین روز های انقلاب اسلامی بوجود آمد و دامنه آن هر روز گسترش می یابد. در حالی که ماده ی ۱۸ که اعلامیه جهانی حقوق بشر که یک پیمان بین المللی است تصریح دارد که "هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب [دین]، و آزادی علنی [و آشکار] کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و دیده بانی آن در محیط عمومی و یا خصوصی است. « و ماده ۱۹ آن تاکید می کند که " هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه ای بدون ملاحظات مرزی است « .

۳ - وسائل ارتباط جمعی، روزنامه نگاران سیامک مهر، بهمن احمدی اموی، عیسی سحر خیز، کیوان صمیمی

✖ مطبوعات، سایت ها، رادیو و تلویزیون بشدت زیر سانسور هستند و خبرنگاران و نویسندگانوبلاک نویسان(۱۴) یا در زندان های جمهوری اسلامی بسر می بارند یا مجبور به جلای وطن شده و در گوشه و کنار جهان آواره اند، در سال ۲۰۱۱ ایران صفت بزرگترین زندان خبر نگاران جهان را از سوی خبر نگاران بدون مرز کسب کرد. (۱۵) صدها نویسنده، روزنامه نگار مانند عیسی سحر خیز، کیوان صمیمی مدیر روزنامه ... به زندان های بلند مدت محکوم شدند.

بهمن احمدی اموی(۱۶) نمونه دیگر آن است که اخیرا از فساد ✖ اقتصادی دولت احمدی نژاد سخن می گوید. در روز ۲۸ مهر ۱۳۹۰ دادگاه تجدید نظر حکم شش سال زندان عبدالرضا تاجیک - روزنامه نگار و عضو کانون دفاع از حقوق بشر و گیرنده جایزه آزادی مطبوعات گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۰ - را به اتهام های «تبلیغ علیه نظام»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «همکاری با کانون مدافعان حقوق بشر» (که در ایران عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر است) و همکاری با گروه های مخالف تایید کرد.

✖ آقای تاجیک پس از انتخابات مورد اختلاف ریاست جمهوری در سال

۱۳۸۸ سه بار دستگیر شده و بار سوم بیش از شش ماه در بازداشت به سر برده است. او در حال حاضر با وثیقه آزاد است، اما همواره در خطر دستگیری خودسرانه به سر می برد.

۴ - احزاب سیاسی، دفتر تحکیم، جبهه ملی ایران، نهضت آزادی، احزاب چپ... احمد زید آبادی، عبدالله مومنی، کورش زعیم، حمید رضا خادم

همه سازمان‌های سیاسی قلع و قمع شده‌اند، حق فعالیت آشکار و یا مخفی و حق اظهار نظر درباره مسائل سیاسی، حق عضوگیری، جمع شدن، حق تشکیل کنگره یا اجلاس‌های متعارف و یا پلنوم را ندارند.

بنا بر گزارش‌ها از پلنوم جبهه ملی ایران در این سال جلوگیری شد، رهبران آن مرتب مورد باز خواست و تحت تعقیب و حضور در دادگاه‌ها هستند. علی رشیدی و مهندس حمیدرضا خادم در بند ۳۵۰ اوین در زندان به سر می‌برند. (۱۷)

✖ در سال ۲۰۱۱ کورش زعیم و بسیاری دیگر بطور دائم توسط مقامات انتظامی احضار می شود. متأسفانه این امر تنها شامل اعضا و طرفداران جبهه ملی که از همان ابتدای انقلاب مورد تهاجم قرار گرفت نیست، رهبران سایر احزاب سیاسی از موقعیت بهتری برخوردار نیستند، تمامی معترضان از خود و ناخودی حق خروج از کشور و حرکت آزاد در داخل کشور را ندارند، حق داشتن سخنگو از احزاب سلب شده است و در بهترین شرایط سخنگویان آنها اگر ترور نشوند، اگر در خانه‌اشان به فجیع‌ترین شکل به قتل نرسند، اگر در خیابان‌ها زیر ماشین نروند، اگر دزدیده و کشته نشوند و در بیابان‌ها رها نگردند... زندانی شده و دهان آنها را می‌بندند.

از آن جمله احمد زید آبادی، یکی از مسئولین دفتر ادوار تحکیم ✖ وحدت که در تاریخ ۷ آوریل - ۱۸ فروردین جایزه جهانی آزادی مطبوعات ۲۰۱۱ سازمان یونسکو و گیامورو کانو را اخذ کرد، رئیس هیات داوران دینا سانگور در این باره اعلام کرد: اهدای این جایزه به احمد زیدآبادی ارج گذاری به شجاعت استثنایی، مقاوت و تعهد این روزنامه نگار در جهت آزادی بیان، دموکراسی و حقوق بشر، تساهل و انسانیت است. اهدای این جایزه ورای شخصیت احمد زیدآبادی جایزه به بسیاری از روزنامه‌نگاران ایرانی است که هم اکنون در زندان بسر می‌برند. (۱۸)

✖ از جمله دیگر زندانیان عبدالله مومنی از دانشجویان دفتر تحکیم وحدت و ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران هستند ، محمد دادخواه وکیل او در گفتگویی با رسانه ها اعلام کرد که دادگاه بدوی ابراهیم یزدی را به هشت سال زندان محکوم کرده است.

۵ - زندانیان سیاسی، نقض موارد متعدد کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، هاله سحابی، هدی صابر ... کتاب ارواح انقلاب

جمهوری اسلامی ایران در تداوم سیاست اختناق و ضدانسانی خود هزاران زندانی سیاسی و عقیدتی را در بدترین شرائط و در وحشتناک ترین زندان ها، به زنجیر کشیده است. (۱۹) سخت ترین و مخوف ترین نوع شکنجه ها نسبت به زندانیان سیاسی ایران (۲۰) اعمال میشود. (۲۱) فعالان سیاسی، دگراندیشان، محققین، استادان دانشگاه، زنان و مردانی که کوچکترین مخالفتی با اندیشه مذهبی حاکم بر ایران داشته باشند و یا در رفتار روزمره آن گونه عمل نمی کنند که رژیم می خواهد، بوسیله عاملان جمهوری اسلامی دستگیر شده زیر شکنجه و آزارهای جسمی و روحی قرار می گیرند (۲۲) و از امکانات پیش بینی شده در قوانین بین المللی در مورد درمان و مداوا برخوردار نیستند. (۲۳) بخش دوم ماده ۴۴ کنوانسیون حقوق زندانیان اشاره می دارد که زندانی می بایست بلافاصله از مرگ خویشاوندان، نزدیکان و دوستانش و یا بیماری جدی یکی از آنها مطلع شود و در صورت بیماری مهم یکی از بستگان نزدیک و یا مرگ خویشاوندان نزدیک ، زندانی باید مجاز باشد هر زمان که شرایط اجازه می دهد برای رفتن به بالین و مراسم او از مرخصی استفاده کند و تحت اسکورت یا به تنهایی حضور یابد. جمهوری اسلامی این ماده از کنوانسیون حقوق زندانیان سیاسی را در مورد هاله سحابی اما به قیمت جان او رعایت کرد :

هاله سحابی فعال حقوق بشر در جریان مراسم تحلیف احمدی نژاد در ✖ ۱۴ مرداد ماه دستگیر شد و به جرم شرکت در تجمعات غیرقانونی و اخلاص در نظم عمومی به دو سال حبس محکوم شد. پس از شدت گرفتن بیماری عزت الله سحابی، هاله سحابی برای دیدن پدر به مرخصی آمد و در جریان تشییع جنازه به دست مامورین ویژه رژیم به قتل رسید و هرگز به زندان بازنگشت (۲۴)

✖ هدی صابر، از زندانیان سیاسی محبوس در زندان اوین که در اعتراض به جان باختن هاله سحابی به همراه چند تن دیگر از زندانیان دست به اعتصاب غذا زده بود، به علت شوک قلب ناشی از

اعتصاب جان باخت. هم چنین در اینسال دهه‌زندانی دست به اعتصاب غذا زدند که عمده^۲ این اعتصاب‌ها سیاسی بوده و در راستای اعتراض به جان باختن هاله سحابی و هدی صابر صورت گرفته است. دهها کتاب و صد ها مقاله در مورد وضعیت شکنجه زندانیان سیاسی در ایران نوشته شده است. در سال ۲۰۱۱ خانم شهلا طالبی، زندانی سابق سیاسی در ایران، کتابی در این زمینه با عنوان *Ghosts of Revolution* روح انقلاب منتشر کرده است. شهلا طالبی در مجموع ده سال به دلیل باورهایش، در ایران زندانی بوده است. (۲۵) فراموش نشود بر اساس آمار انتشار یافته امر تجاوز به حقوق زندانیان در ردیف نخست قرار دارد.

۶- شکنجه زندانیان، پیمان عارف، محبوبه کرمی ... جنایت بی عقوبت، شکنجه و خشونت جنسی

زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی از هیچ حقوقی برخوردار نیستند، آنها حتی از حقوق اولیه یک زندانی جنایتکار نیز بی‌بهره‌اند، و علاوه بر آن، براساس دستورات شخص خامنه‌ای و بخشنامه‌های قوه قضاییه، هر شکنجه‌ای برای آنان مجاز است.

✖ در تازه‌ترین نمونه از این رفتار بدیع و شنیع، که حتی در نظام‌های دیکتاتوری هم کمتر یافت می‌شود، در این سال از جمله ماموران امنیتی اجازه ندادند محبوبه کرمی، زندانی سیاسی، از فعالان حقوق بشر و مسئول اسبق کمیته‌ی زنان حقوق بشر در ایران است و از ۲۵ اردیبهشت ماه سال جاری تاکنون در زندان اوین به سر می‌برد در مراسم خاکسپاری پدرش شرکت کند. در حالی که مطابق بخشنامه‌های قوه قضاییه و نیز آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، حق دارند تا در مراسم تدفین نزدیکانشان شرکت کنند. اتهام محبوبه کرمی «تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و نشر اکاذیب» بوده است و به سه سال حبس تعزیری محکوم شده است و در «بند ۲-الف اوین»، متعلق به سپاه پاسداران محبوس است.

همین‌طور در این سال پیمان عارف، عضو جبهه ملی ایران، دارای ✖ رتبه برتر کنکور کارشناسی ارشد علوم سیاسی و دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ظهر یکشنبه ۹ اکتبر ۲۰۱۱ در آخرین ساعات دوره محکومیت زندان خود در بند ۳۵۰ زندان اوین ۷۴ ضربه شلاق خورد.

شادی صدر در این سال اثر تحقیقی با ارزشی را در مورد شکنجه جنسی

در زندان های ایران انتشار داد. عنوان این کتاب جنایت بی عقوبت، شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی است.

خدیجه مقدم برنده نخستین جایزه حقوق بشر بوخوم می گوید زندانیان عادی سخنگویی ندارند جمهوری اسلامی قرار دادهای زیادی برای خرید وسایل شکنجه و راه های کنترل مردم با اروپا ، روسیه و چین دارد که خیلی از این قرار دادها به ضرر مردم و برای کنترل و دستگیری و بازداشت مردم است و جامعه جهانی می تواند به دولت خود فشار بیاورد که این قرار دادهای ننگین را با ایران نبندد.

۷- انتخابات استصوابی به جای انتخابات آزاد ، ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۳۹ منشور حقوق اساسی پارلمان اروپا

در جمهوری اسلامی از همان ابتدا شرائط لازم برای انتخابات فراهم نبود، در مجلس اول بسیاری از کسانی را که نسبت به ولایت فقیه و دخالت دین در دولت انتقاد داشتند و دموکراسی و آزادی را نخستین شرط اداره مملکت می دانستند با تهمت و نا سزا به پارلمان راه ندادند. هر روز مخالفان خود را با زندان و تبعید و اعدام خنثی کردند، در سال های اخیر همراهان قدیمی خود را از میدان بدر کردند ، با انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری آقایان موسوی و کروبی را به کنار زدند، در ۲۰۱۱ آنها را به حبس کشیدند. در این سال همینطور انتخابات استصوابی باعث شد که ولی فقیه فقط کسانی را که زیر اوامر او عمل می کنند به عنوان کاندیدا قبول کند. آنچه که تحت عنوان انتخابات در ایران مطرح می شود بی محتوا و بی مفهوم است. با این روش جمهوری اسلامی ایران ماده ۳۹ منشور حقوق اساسی پارلمان اروپا و ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر را زیر پا می گذارد .

۸- سنگسار، عقب نشینی جمهوری اسلامی

عمل وحشیانه سنگسار که برخاسته از غرایز وحشیانه و عقبگرایانه و خشک مغزی مذهبی می باشد، بنابر احکام دادگاه های اسلامی انجام می شود و در غالب موارد این مردم نیستند که به انداختن سنگ ها به سوی محکومین اقدام میکنند، بلکه عاملین و مأمورین رژیم جمهوری اسلامی

به این کار دست میزنند تا این سنت انسانستیز را به عنوان نهادی زنده نگهدارند. سنگسار سکینه که در اثر مجاهدت های جهانی به تعویق افتاده بود در روز های آخر سال مسیحی دوباره مطرح شد احتمال اعدام او می رود. (۲۶)

۹- افزایش اعدام ها، ۶۰۰ مورد در سال ۲۰۱۱ (۲۷) غلامرضا خسروی سوادجانی، خواهر فرهاد وکیلی

✖ حکم اعدام که در بسیاری از کشورهای متمدن لغو شده است هنوز در ایران معمول و مرسوم است (۲۸) و روزی نیست که مخالفین عقیدتی و مدافعین آزادی بطور انفرادی یا دسته جمعی اعدام نشوند. (۲۹) اگر برای جمهوری اسلامی کشتار یهودیان و سوزاندن آنها در کوره ها مورد تأیید نیست، شاید یکی از دلائلش این باشد که جمهوری اسلامی از نادر رژیم های است که اعدام های دسته جمعی را دوباره فعالین سیاسی و عقیدتی بکار برده است (۳۰) و آنها را در قبرستان های دسته جمعی به خاک سپرده است. (۳۱) بسیاری از اعدام ها در میدان های عمومی و در مقابل چشمان مردم به ویژه کودکان انجام می شود. این روش وحشیانه و بدوی عواقب غیر قابل جبرانی در رشد خشونت و بی رحمی باعث می گردد.

بنا بر گزارش های حقوق بشری در سال ۲۰۱۱ قریب به ۶۰۰ نفر در ایران اعدام شده اند. (۳۲) به این رقم باید اعدام های مخفیانه را نیز اضافه کرد، امسال در غالب شهر های ایران از جمله در مشهد بیش از ۱۵۰ اعدام مخفی انجام گرفته است. (۳۳) عدم تحویل اجساد زندانیان سیاسی یکی از مسائلی است که مورد آزار و اذیت خانواده غمدیده زندانیان است بطور مثال در ۱۹ اردیبهشت سال ۸۸ پنج زندانی سیاسی محبوس در اوین و رجایی شهر کرج پس از قطع تلفن های زندان اعدام شدند مسئولین مربوطه در خصوص تحویل پیکر این زندانیان به خانواده ها آنها قول هایی داده بودند که علی رغم گذشت بیش از یک سال و نیم تا کنون به اجرا در نیامده است. (۳۴)

یک فعال سیاسی به نام غلامرضا خسروی سوادجانی به اعدام محکوم شد. این زندانی سیاسی در دوران بازجویی خود جهت اخذ اعترافات تلویزیونی به شدت تحت فشار بود و این عامل نیز موجب شد که وی به مدت ۴۰ ماه از مدت حبس خود را در سلول های انفرادی بازداشتگاه های مختلف سپری کند. وزارت اطلاعات در پی کمبود مستندات پرونده جهت محکوم کردن وی به اعدام، از فعالیت های وی در دهه ۶۰ استفاده کرده است. غلامرضا خسروی در دهه ۶۰ نیز به ۵

سال حبس تعزیری محکوم شده و پس از تحمل حبس در سال ۶۵ از زندان آزاد شده بود. (۳۵)

۱۰- تضاد سیستم قضایی با قوانین بین المللی

سیستم قضائی ایران که برپایه قوانین اسلامی بنیاد گذارده شده است، نه تنها مبنا و اساس حقوق قضائی مرسوم در کشورهای جهان را محترم نمی‌شمرد، بلکه قضاوت خود را براساس قوانین بدوی و سنت‌های قرون وسطائی بر مردم اعمال میکند. دادگاه‌های ایران از هیچگونه موازین معمول بین‌المللی برخوردار نمی‌باشند. احکام متهمین قبل از حضور در دادگاه معین می‌گردد. (۳۶)

۱۱- وکلا در زندان و وکلای وکلای در زندان... محمد دادخواه وکیل با سابقه دادگستری و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر

وکالت در ایران باید تحت تعاریف با هویت خاص جمهوری اسلامی باشد، فعالان سیاسی، مخالفان، دگراندیشان، کسانی که مورد تهمت قرار گرفته‌اند، کسانی که به زندان افتاده‌اند، نمیتوانند در شرائط آزاد از حقوق خود دفاع کنند. زندانیان سیاسی و عقیدتی قادر نیستند از وکیل مدافع معمولی و آزاد برخوردار باشند. بهترین وکلای ایران بجای دفاع از حقوق متهمین در زندانهای جمهوری اسلامی بسر برده در خطر مرگ هستند.

✘ بطور مثال محمد دادخواه وکیل با سابقه دادگستری و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر، به ۹ سال زندان، ده سال محرومیت از حرفه وکالت، ده سال ممنوعیت از تدریس، ۹۰۰ هزار تومان جزایی و ۵ ضربه شلاق محکوم شد. دادخواه بنیانگذار کانون مدافعان حقوق بشر بوده است. کانونی که هدفش دفاع از حقوق زندانیان و تهیه گزارش‌هایی از موارد نقض حقوق بشر است. همینطور آوردن شاهد در دادگاه‌ها از موارد بسیار نادر است. کمتر فردی پیدا میشود که از ترس ترور و ضرب و شتم توسط رژیم و از ترس جان خود حاضر به شهادت در دادگاه‌های اسلامی باشد.

۱۲- حریم خصوصی، محل زندگی یا مکاتبات شخصی

بر اساس ماده ۳ منشور جهانی حقوق بشر هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است. ماده ی ۱۲ آن تصریح می‌کند که هیچ احدی نمی‌بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق

شرافت و آبروی هیچکس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر کسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی است. در جمهوری اسلامی حریم خصوصی افراد و خانواده‌ها مورد احترام نیست. مقامات دولتی و سپاه پاسداران هر وقت که بخواهند وارد منزل و آپارتمان و محل کار شهروندان می‌شوند و انسانها حق ندارند حتی در محل زندگی و کار خود از آزادی فردی برخوردار باشند.

۱۳- مقاومت زنان، مریم بهرمن، محبوبه کرمی، هیلا صدیقی ... گزارش بنیاد برومند

در صدر منشور سازمان ملل، مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، ملل متحد حقوق اساسی بشر و کرامت و ارزش شخصیت انسان و برابری حقوق بین زن و مرد مصرح است. زنان که بیش از ۵۰ درصد نیروی فعال ایران را تشکیل می‌دهند، از حقوق یک انسان عادی بهرمنند نیستند. تمامی آزادی " زن بودن " در ایران بوسیله شریعت و اسلام و جمهوری اسلامی پایمال می‌شود و زنان حق ندارند حتی در مورد آن بخشی از اصول اسلامی که مربوط به " زن اسلامی " می‌شود، اظهار نظر نمایند. (۳۷) حقوق اسلامی و غیر اسلامی زنان بوسیله آیت‌الهای جمهوری اسلامی تعیین می‌شود. در این سال بنیاد برومند سندی را در ارتباط با خشونت نسبت به زنان ایرانی تنظیم و به مقامات بین المللی ارسال داشت. (۳۸) در حال حاضر از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد، ۱۸۶ کشور به عهدنامه محو هر گونه تبعیض در باره زنان پیوسته اند و ایران در زمره ۷ کشوری است که تا کنون از امضاء و تصویب این سر باز می‌زند. (۳۹) در سال ۲۰۱۱ با وجود اعتراض‌هایی که علیه عضویت ایران در " کمیسیون مقام زن " سازمان ملل متحد صورت گرفت، شورای سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به اتفاق آرا، عضویت ایران در این کمیسیون را تصویب کرد. کمیسیون مقام زن نقش تصمیم‌گیری با ضمانت اجرایی ندارد، اما به گفته برخی فعالان حقوق زنان بالاترین مقام نظارتی در حوزه زنان در سازمان ملل به شمار می‌آید. این در شرایطی است که هنوز در ایران سازمان مستقل زنان وجود واقعی و آزاد ندارند. زنان مجبورند موازین و نظراتی را دنبال و اجراء کنند که دولت جمهوری اسلامی و قوانین سنتی اسلامی به آنها دیکته میکند. بسیاری از زنان مبارز و آزادیخواه در زندانهای ایران اسیرند و به وحشیانه‌ترین وضعی مورد تجاوز قرار می‌گیرند. زنان ایرانی حق ندارند با سازمانهای زنان جهانی ارتباط داشته باشند و یا خود را عضو یا فعال آن جوامع معرفی نمایند. هیچگونه چشمانداز مثبتی برای آزادی و حقوق زنان ایران وجود ندارد و آنچه به چشم می‌خورد جز فرورفتن

در تاریکترین چاه‌های ارتجاع مذهبی نیست. (۴۰)

✖ علاوه بر صد ها زندانی سیاسی و اجتماعی زن در ایران در حال حاضر دو تن از فعالان جنبش زنان ایران ، مریم بهرمن و محبوبه کرمی در وضعیت نا هنجاری به سر می برند. (۴۱) برآستی علیرغم تمام فشار ها ، بزرگ زنان ایران دست از مقاومت برنمیدارند.

هیلا صدیقی شاعر جوان زن ما که اشعارش بازگوی صدای میلیون ها ✖ ایرانی است در نامه‌ای چنین می گوید: " حالا که زیر این آسمان پهناور هوای آزاد را استشمام می کنم شرم دارم از خود بگویم در شرایطی که دوستان نازنینمان ماه هاست در حبس و زندان به سر می برند. من این جا هستم . نه قصد خروج از کشور را دارم و نه ترسی از آنچه که پیش روست چرا که باور دارم جرمی مرتکب نشده ام. «

✖ همینطور در این سال سوسن طهماسبی، دریافت کننده جایزه معتبر آلیسون دفورث جایزه خود را به نسرين ستوده، وکیل و فعال حقوق بشر برای فعالیت خستگی ناپذیر در سال ۲۰۱۰ که هم اکنون دربند است و دیگر فعالان زن در بند اهدا کرد. اهدای این جایزه به طهماسبی از طرف دیده بان حقوق بشر برای اقدامات شجاعانه اش در راستای ترفیع و ارتقای جامعه مدنی و حقوق زنان در ایران است. (۴۲) فرشته شیرازی در شهریور سال ۱۳۸۰ به ستاد خبری وزارت اطلاعات در شهر آمل فراخوانده شد، او به همراه حدود ۹۰ زندانی زن دیگر در اتاقی ۶۰ متری زندانی است. داشتن سابقه بیماری و تشنج، وضعیت نامناسب زندان و فشارهای روحی و روانی بر او، خانواده و همراهان فرشته را در مورد سلامت او به شدت نگران کرده است. (۴۳)

۱۴- پیمان نامه کودک و تداوم بی توجهی به حقوق کودکان

حقوق کودکان و نوجوانان به هیچوجه در جمهوری اسلامی رعایت نمیشود. (۴۴) کودکان از سنین بسیار پائین برای تأمین معاش مجبور به کارکردن هستند. براساس یک گزارش فقط در شهر همدان حدود ۳۶ هزار کودک از سنین ۸ سالگی برای امرار معاش کارهای بدنی میکنند. کنوانسیون حقوق بشر در مورد کودکان در ایران هر روز زیر پا گذارده میشود. کودکان آلت تبلیغات ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی قرار میگیرند. مغز آنها شستشو میشود و رشد تربیتی طبیعی از آنها کلاً گرفته شده است. (۴۵)

بر اساس یک تحقیق، به تازگی معضل کودکان خیابانی بیش از پیش

گریبان دختران را گرفته است و مشکلات اقتصادی آنان را به کارهای کاذب در خیابان ها وادار کرده است.

به گزارش خبرنگار جامعه جهان؛ تحقیقی که توسط یک گروه پژوهشی آسیب شناسی دانشگاه تهران درباره کودکان کار و کودکان خیابانی منتشر شده است نشان می دهد که اخیرا در سطح تهران تعداد کودکان کار و خیابانی افزایش یافته است

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران میگوید یکی از گروه های در معرض خطر HIV افرادی هستند که خیابان، محل کار و زندگی آنان است که کودکان خیابانی هم جزئی از آنان محسوب میشوند.

حسن موسوی چلک با بیان اینکه یکی از استراتژی ها در مواجهه با ایدز، شناسایی و آموزش گروه هایی است که در معرض HIV قرار دارند، گفت: "کودکان خیابانی یکی از این گروه ها هستند و اگر اطلاعات لازم در زمینه HIV به موقع به آنان ارائه شود، احتمال آسیب پذیریشان در مقابل ویروس به مراتب کاهش می یابد."

کارشناسان سازمان ملل متحد با اشاره به عضویت جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و تعهدات آن کشور، بیان نمودند، "تحت قوانین بین المللی حقوق بشر، مجازات اعدام برای اشخاصی که در سنین زیر هیجده سالگی مرتکب جرم میشوند بطور مطلق ممنوع است."

چهار تن از کارشناسان ارشد سازمان ملل متحد اعدام نوجوان هفده ✖ ساله، علیرضا ملاسلطانی، را که دیروز درملاء عام بوقوع پیوست محکوم کرده اند. آقایان کریستوف هاینر، احمد شهید و هوان مندز به همراه خانم گابریلا ناول خط مشی کنونی مقامات ایرانی مبنی بر اعدام متداول شهروندان به اتهام جرائم مربوط به مواد مخدر را تقبیح نموده اند

آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران، با اشاره به اعدام های خودسرانه، استقلال قوه قضائیه و شکنجه تاکید نمودند، "هر گونه حکمی که مجازات اعدام را بر نوجوانان زیر سن هیجده سالگی اعمال کرده و آنان را به جوخه اعدام میسپارد، با تعهدات بین المللی ایران تناقض دارد."

ایران از جمله معدود کشورهایی است که جوانانش برای زندگی کردن آزاد و معمولی بزرگترین رنجها را متحمل میشوند. از آنجا که جوانان از آزادی‌های طبیعی برخوردار نیستند، به هر قیمتی شده ایران را ترک کرده و به عنوان مهاجر رسمی و غیر رسمی به سایر کشورهای جهان فرار میکنند و این جلای وطن به هیچوجه جنبه اقتصادی نداشته و فقط برای برخورداری از آزادی است. به همین علت تعداد مهاجرین در دوران جمهوری اسلامی در تاریخ ایران بی‌سابقه می‌باشد.

۱۶- سندیکاهای کارگری مستقل اسانلو ،شهابی(۴۶) ... بهنام ابراهیم زاده، علی نجاتی ، ابراهیم مددی

✖ رهبران سندیکائی که تقاضایی جز بهبود وضع زندگی کارگران را ندارند و تنها خواهان آزادی هستند تا بتوانند مطالبات درجه اول حرفه‌ای خود، به مانند بیمه بیکاری، حق اعتصاب، حق اظهار نظر و .. را به اطلاع کارفرمایان خصوصی و یا عمدتاً دولتی برسانند، بدنبال حمله وحشیانه مأموران جمهوری اسلامی به دفتر سندیکا و غارت آن و ضرب و شتم آنان در زندان بسر می‌برند. علیرغم همه فشارها و تهدیدات و دستگیری‌ها جنبش سندیکائی در بسیاری از شهرستانها گسترش یافته است. امروز زندانهای ایران پر از سندیکالیستها و رهبران انجمن‌های کارگری است.

رضا شهابی فعال کارگری و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت ✖ واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از اول آذر ماه سال جاری در زندان اوین در اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده و نگه داشتن او در شرایط بلا تکلیف دست به اعتصاب غذا زد. رضا شهابی بخاطر فعالیت کارگری و دفاع از ابتدای ترین حقوق کارگران محروم ایران ، در ۲۲ خرداد ۸۹ به اتهام واهی ارتباط با بیگانگان ، بازداشت شد و از آن زمان تا کنون در زندان اوین در بلا تکلیفی کامل بسر میبرد. بدنبال اعتصاب غذای رضا شهابی انبوهی از روشنفکران و و کنشگران اجتماعی در سراسر جهان از او حمایت کردند به هنگامی که این نوشته به پایان می رسد ۳۰ روز از اعتصاب غذای او می‌گذرد، (۴۷) مقامات قضایی ایران کوچکترین توجهی به خواست این بزرگمرد نکردند. (۴۸)

بهنام ابراهیم زاده، علی نجاتی، ابراهیم مددی از دیگر کنشگران سندیکایی زندانی هستند .ملاحظه می کنیم که جمهوری اسلامی ایران بطور آشکار ماده ی ۲۳ منشور جهانی حقوق بشر را در مورد کار و

کارگری و تامین اجتماعی نقض می کند این ماده شامل ۴ بند است :

۱ - هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است.

۲ - هر انسانی سزاوار است تا بدون رواداشت هیچ تبعیضی برای کار برابر، مزد برابر دریافت نماید.

۳ - هر کسی که کار می کند سزاوار دریافت اجری منصفانه و مطلوب برای تأمین خویش و خانواده ی خویش موافق با حیثیت و کرامت انسانی بوده و نیز میبایست در صورت لزوم از حمایتهای اجتماعی تکمیلی برخوردار گردد.

۴ - هر شخصی حق دارد که برای حفاظت از منافع خود اتحادیه صنفی تشکیل دهد و یا به اتحادیه های صنفی بپیوندد.

۱۷- اقوام و اقلیتهای فرهنگی، مذهبی، عقیدتی، یوسف اسلام دوست

اقوام و اقلیتهای فرهنگی، مذهبی، عقیدتی حق ابراز نظر و عمل کردن به سنن و موازین خود را ندارند. جمهوری اسلامی اقوام ایرانی را با فشار و کشتارهای دسته جمعی مجبور به اطاعت از حکومت مرکزی نموده با هرگونه تبلیغات فرهنگی، مذهبی و عقیدتی که برپایه اصول اسلامی نباشد، به شدت مخالف بوده و آنها را سرکوب و مرعوب میکند. زردشتیان، یهودیها، بهائیها و حتی اهل تسنن از حقوق شهروندی مساوی در رابطه با مسلمانان شیعه بهره مند نیستند. در جمهوری اسلامی مجازات بی دین بودن، نداشتن اعتقاد به بهشت و جهنم تا مرحله مرگ پیش میرود.

✘ در سال ۲۰۱۱ یوسف اسلام دوست از اقلیت های مذهبی ترک سنی اعدام شد، در روز دهم اکتبر، سه نفر دیگر از ترک های سنی روستای ایستی سو به نامهای جمال شیخ زاده ، فرهاد اسلام دوست و محمد جنگلی در زندان اورمیه اعدام شدند. وزیر خارجه آمریکا، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط یوسف ندرخانی کشیش ایرانی بازداشتی شد. نامه ای با امضای ۲۰۰ هزار شهروند آمریکایی در حمایت از کشیش ندرخانی به دولت آمریکا ارسال گردید. هیلاری کلینتون طی سخنانی مقارن با روز جهانی حقوق بشر گفته است: «ما از تمامی دولت ها می خواهیم تمامی زندانیانی که به خاطر عقیده و اندیشه خود به زندان افتاده اند، از جمله کشیش یوسف ندرخانی را فوری و بدون قید

و شرط آزاد کنند.

۱۸- محیط زیست، دریاچه ارومیه و نقی محمودی وکیل دادگستری، فراخوان بنیاد میراث پاسارگاد برای نجات دریاچه ارومیه

علیرغم تلاش های مدام مردم آگاه در ایران و با وجود فعالیت های روشنفکران و علاقمندان ایرانی به محیط زیست ، سیاست جمهوری اسلامی مبتنی بر تخریب منابع طبیعی و بی توجهی به این ثروت ملی و جهانی است که علت اصلی آن ، حاکمیت نا آگاهان و بی خردان بر سرزمینی است که سرشار از نعمت های طبیعی است . در اثر این سیاست ، " دریاچه پریشان خشک شد، دریاچه بختگان هم کمابیش در حال خشک شدن است، بخش مهم زاینده رود و تالاب گاوخونی اصفهان خشک شد، تالاب انزلی در بحران است و امروز دریاچه ارومیه نیز در نیمه راه نیستی قرار گرفته است. تمامی محیط زیست ایران پیوسته دستخوش نابسامانی های گوناگون و هولناک بوده و این رژیم با بوروکراسی سنگین و بی کفایتی خود آگاهانه روند تخریب را تشدید کرده است. (۴۹)

مقاله جلال ایجادی در باره دریاچه ارومیه یکی از نوشته های [x] تحقیقی شایان توجه است او در مورد محیط زیست در ایران با صراحت لهجه مسئولانه می نویسد که حکومت اسلامی را مسئول این وضع اسفبار می داند. (۵۰)

در استان آذربایجان شرقی و غربی طی شش ماه اول سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۲۰ نفر از فعالین فرهنگی، سیاسی، حقوق بشر و حقوق زنان دستگیر شده اند که عمده دستگیری ها در جریان اعتراضات مردمی به خشک شدن دریاچه ارومیه صورت پذیرفته است. مشخصات ۳۲۶ نفر از افراد یاد شده در این گزارش آمده است. (۵۱) در روز های اخیر مقامات قضایی جمهوری اسلامی برای معترض به وضعیت دریاچه ارومیه ۲۶ سال حبس و ۱۳۹۰ ضربه شلاق حکم صادر کرد. نقی محمودی وکیل دادگستری در رابطه با صدور این حکم به «خانه حقوق بشر ایران» گفت: «موضوع خشکاندن عمدی دریاچه ی ارومیه از سوی دولت ، که چند سالی است مورد توجه رسانه ها و کارشناسان قرار گرفته همواره مورد انکار و فرافکنی مقامات مسئول جمهوری اسلامی بوده است. به طوری که مسئولین امر به جای توجه اصولی به این فاجعه ی عمیق زیست محیطی و جلوگیری از گسترش دامنه ی آثار ویرانگر تبدیل دریاچه مذکور به کویر نمک معترضین به آن را مورد سرکوب و آزار قرار داده است. به طوری که

در دو سال اخیر صدها تن در شهرهای مختلف آذر بایجان ، خاصه تبریز و ارومیه دستگیر و احکام سنگینی حداقل در خصوص ده ها تن صادر شده است که وکالت عده ای از آن ها را بر عهده گرفته بودم. در حالی که به اظهار کارشناسان محیط زیست تنها راهکار منطقی برای رفع این معضل ، باز کردن آب سد های احداثی در مسیر رودخانه و سرازیر شدن آب دخیره شده ی پشت سدها به دریاچه است. (۵۲)

۱۹- فرهنگ و دانشگاه

استفاده از علوم و آموزش و فرهنگ و دانشگاه و مدرسه حق همه نیست و وابستگان به رژیم جمهوری اسلامی و کسانی که اسلامی و یا اسلامی تر هستند از حقوق ویژه ای برخوردارند. استادان دانشگاه باید اسلامی باشند. آنها باید درسها و علوم فنی و نظری خود را در قالب و بسته بندی های اسلامی به دانشجویان عرضه کنند. هر روز اخبار تازه ای از کنار گذاردن و استادان دانشگاه انتشار می یابد. حتی مسئولینی که در وزارت علوم سالها برای برقراری رژیم کار می کردند و عاملین تبلیغات در راه اهداف جمهوری اسلامی بودند امروز بوسیله رئیس جمهور وقت کنار گذارده می شوند. خامنه ای علوم انسانی را مردود و مخالف اسلام میدانند.

بنا بر گزارش انتشار یافته در ۲۸ مهر ماه ۱۳۸۹ در رادیو زمانه وزیر علوم اعلام کرد که «مهم ترین مشکل بر سر راه اسلامی کردن دانشگاه ها را برخی اساتید دانست که فاقد جهان بینی اسلامی هستند.» او اژاه می دارد که اسلامی کردن دانشگاه ها، «جهاد مقدس» است. اردیبهشت ماه سال گذشته اعلام شد که محمود صباحی، عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی به دلیل «ترویج افکار الحادی» از دانشگاه آزاد اخراج شده است. پیش از او دکتر نصیراحمدی و مهندس عماد مردانی از دراویش نعمت الهی گنابادی که در دانشگاه آزاد تدریس می کردند، اخراج شده بودند. در بهمن سال ۱۳۸۸ نیز دکتر مسعود رستمی، استاد جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد سنندج اخراج شد که اعتراض دانشجویان این دانشگاه را به دنبال داشت.

در این سال موج اساتید اخراجی و باز نشسته فاقد شرائط بازنشستگی باز بالا گرفت : دکتر سعید مشیری، استاد اقتصاد دانشگاه علامه اخراج شد و دکتر حسین معصومی همدانی استاد تاریخ ریاضیات، تاریخ علم و فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف حکم بازنشستگی خود را دریافت کرد. در دانشگاه صنعتی شریف نیز دکتر حسین معصومی همدانی مدرس

ادبیات فارسی، تاریخ ریاضیات، تاریخ علم و فلسفه علم در دانشگاه صنعتی شریف و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی حکم بازنشستگی خود را دریافت کرده است.

✖ بنا بر شواهد ترور استاد مسعود علی‌محمدی، استاد فیزیک ذرات بنیادی دانشگاه تهران که دی ماه سال کار خود رژیم بوده است زیرا دانشجویان آقای علی محمدی فیلم سخنرانی او را در سایت‌ها منتشر کرده و در عین حال از حضور این استاد دانشگاه در راهپیمایی اعتراضی بیست و پنج خرداد خبر دادند و این ترور را به عنوان شهادت استاد سبز خواندند.

۲۰- خلاقیت و آزادی شغلی

خلاقیت و آزادی شغلی در ایران تحت موازین و کنترل شدید جمهوری اسلامی قرار دارد و حق خلاقیت و اکتشاف و آزادی حرفه‌ای و هنر در ایران مورد تهدید می‌باشد.

۲۱- بازرگانان و صاحبان شرکت‌ها و صنایع

بازرگانان و صاحبان شرکت‌ها و صنایع نمی‌توانند بطور آزادانه در حرکت اقتصادی و تولیدی قرار گرفته و از تازه‌های تولیدی و اقتصادی و گسترش صنعتی متعارف بطور عادی و طبیعی استفاده نمایند. هرگونه اقدامی در این مورد نیاز به اجازه ویژه مقامات دولتی دارد و این مقامات بنا به مصالح خود و سیاست کلی اسلامی جامعه، تولید و اقتصاد و صنعت را جهت می‌دهند. به همین جهت سال‌هاست که مسئولیت اتاق بازرگانی ایران در دست بخش اصول‌گرای جمهوری اسلامی قرار دارد همان جناحی که مساجد و بخش بزرگی از روحانیت را با خود دارد.

۲۲- هنرمندان

هنرمندان که یکی از سرمایه‌های مهم فرهنگی محسوب می‌شوند حق فعالیت آزاد ندارند. آفرینش‌های آنها باید طبق موازین اسلامی باشد. در ایران شاعران، نویسندگان، نقاشان، فیلم‌سازان و هنرمندان تئاتر، مجسمه‌سازان و ... آزادی بیان و آزادی آفرینش ندارند. ورزشکاران و مربیان ورزشی مجبورند براساس سیاست دولتی جمهوری اسلامی رفتار کنند، حتی ورزش در ایران آزاد نیست، مربیان ورزشی حق بیان و اظهار نظر در امور فنی ورزشی را ندارند و رژیم کوچکترین عمل آنها را تحت نظارت و جهت‌گیریهای اسلامی قرار داده است. سینما گران و

کارگردانان سینمایی از جمله هنرمندانی بودند که مورد آزار و اذیت رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند. از آن جمله می‌توان به جعفر پناهی و محمد رسولاف اشاره کرد. جعفر پناهی کارگردان سینما به شش سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از ساختن فیلم، نوشتن هر نوع فیلمنامه و مسافرت به خارج از کشور و "محمد رسولاف" دیگر کارگردان سینمای ایران نیز به شش سال حبس تعزیری محکوم شد. باید یادآور شد که در آستانه برگزاری جشنواره جهانی فیلم کن، سایت رسمی این جشنواره در راستای لغو حکم بیانیه ای را منتشر کرده که در بیانیه منتشر شده، از مقام های ایران خواسته شده هرچه زود تر حکم زندان و محرومیت از فعالیت های هنری و اجتماعی این دو فیلمساز ایرانی را لغو کنند. به گزارش سایت نوروز، فاتح آکین، جیم کری، رفیع پیتز، دیوید کرونبورگ و آلن دلون از جمله امضا کنندگان این بیانیه هستند. جعفر پناهی و محمد رسولاف اسفند ماه سال ۸۸ در تهران بازداشت شدند

۲۳- سیاست، اقتصاد و منابع انسانی

سیاست، اقتصاد و منابع انسانی ایران را الیگارش آوندها، آقا زاده ها و مداحان اداره می‌کند. قائل شدن حق و امتیاز ویژه برای عده ای که وابسته به رژیم هستند و در باند جمهوری اسلامی عمل میکنند از مسائل بسیار پیش پا افتاده است. پست و امتیاز و منصب با ویژگی‌ها و لیاقت و کردانی ارزیابی نشده، بلکه تنها دلیل رسیدن به مسئولیت همانا اسلامی بودن و یا تظاهر به مسلمانی و قبول رهبری و سرفروود آوردن در مقابل دستگاه عظیم مذهبی است که بر ایران حکومت می‌کند.

۲۴- اتباع خارجی و مهاجرین

حقوق اتباع خارجی و مهاجرین در ایران محترم شمرده نمی‌شود و هر خارجی که به ایران می‌رود مجبور است خود را از نظر ظاهر تحت شرایط اعمال شده در ایران در آورد و از حقوق بین‌المللی مهاجرت یا اقامت در ایران به نوعی که در کشورهای جهان مرسوم است برخوردار نیست. خبرنگاران و پژوهشگران و ایران‌شناسان نمی‌توانند بطور آزاد در مورد مسائل ایران اظهار نظر نمایند. هرگونه موضع‌گیری که خلاف اصول تحمیلی جمهوری اسلامی باشد، باعث به زندان انداختن حتی کشتن و یا اخراج از ایران می‌شود و در مراحل بعدی به این افراد اجازه ورود به ایران داده نمی‌شود. از موضوعات دیگر در سال ۲۰۱۱ تصویب قطعنامه‌ی پیشنهادی عربستان مبنی بر محکوم کردن ایران درباره قصد

ترور سفیر عربستان در آمریکا بود ، این قطعنامه با رأی نسبتاً بالایی تصویب شد. اشغال سفارت انگلستان توسط دست نشانندگان رژیم نمونه دیگری از بی احترامی به قوانین بین المللی است.

۲۵- آثار فرهنگی و باستانی ... بنیاد میراث پاسارگاد

ایران یکی از مراکز تمدن جهان است. آثار فرهنگی و باستانی که باید جزئی از سرمایه ملی محسوب شود، بوسیله آخوندها و دست اندرکاران آنها به خارج از کشور انتقال یافته و به قیمت های بسیار گران به فروش رفته و میرود.

تخت جمشید که یک پدیده تمدن جهانی می باشد به بهانه اینکه  بوسیله شاهان ساخته شده است نه تنها مورد حفاظت قرار نمی گیرد، بلکه هر روز به دلیلی بخشی از آن ویران می شود. سایر آثار باستانی از وضعیت بهتری برخوردار نیستند. بسیاری از آثار باستانی اصفهان، شیراز، خراسان، کرمان و ... به نابودی کشیده شده است.

 بنیاد میراث پاسارگاد که به کوشش عده ای از علاقمندان به فرهنگ ایران تشکیل یافته با پشتکار و همت خانم شکوه میرزادگی توانسته است به سهم خود در بیدار سازی وجدان ها در امر حراست از فرهنگ و میراث باستانی ایران گام های مهمی بردارد. از آن جمله می توان به دفاع از خشک شدن زاینده رود ، دریاچه اورومیه، ثبت شدن جهانی بلدا، نامه سرگشاده بنیاد میراث پاسارگاد به رهبران و کوشندگان سازمان ها و گروه های سیاسی اپوزیسیون در داخل و خارج ایران، پیشنهاد روز کورش بزرگ ... نام برد info@savepasargad.com ">info@savepasargad.com .

۱ – René Cassin

۲ – Jean Peters Humphrey

۳ – جمهوری اسلامی ایران : نه به گزارشگر ویژه سازمان ملل، آری به ادامه سرکوب آزادی بیان

- ۴ - [نامه سرگشاده دانشجویان 'نویسندگان' و... به گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران](#)
- ۵ - [دیدار حامیان مادران بارک لاله در آلمان با آقای احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران](#)
- ۶ - [بر اساس گزارشات گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر](#)
- ۷ - [گزارش آماری نقض حقوق بشر](#)
- ۸
- <http://www.farhangghassemi.com/article-forum-d-oslo-21-22-oc-tobre-2010-forum-sur-universalite-des-droits-de-l-homme-89689296.html>
- ۹ - [مجازات مضاعف برای مدافعان حقوق بشر در زندان](#)
- ۱۰ - [به آزارهای قضایی علیه خانم نرگس محمدی پایان دهید](#)
- ۱۱ - [مجازات مضاعف برای مدافعان حقوق بشر در زندان](#)
- ۱۲ - [نقائص فاحشی در کارنامه حقوق بشر ایران وجود دارد](#)
- ۱۳ - [بیانیه نه سازمان خطاب به مجلس شورای اسلامی در باره پیش نویس قانون جدید ضد جامعه مدنی](#)
- ۱۴ - [آخرین مقاله وبلاگ نویس سیامک مهر از زندان رجایی شهر](#)
- ۱۵ - [جایزه بهترین خبرنگار در بزرگترین زندان خبرنگاران جهان](#)
- ۱۶ - [نامه بهمن احمدی امویی به نمایندگان مجلس در شرح مقالات افشاگرانه اش درباره فساد اقتصادی دولت احمدی نژاد](#)
- ۱۷ - [احضار دو تن از فعالان جبهه ملی ایران توسط وزارت اطلاعات](#)
- ۱۸ - [احمد زیدآبادی برنده جایزه جهانی آزادی مطبوعات سازمان یونسکو و گیامورو کانو](#)
- ۱۹ - [گروه تحقیق سازمان ملل؛ دولت ایران در باره ناپدید شدن موسوی، کروبی و همسرانشان پاسخ بدهد](#)

- ۲۰ - [روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه](#)
- ۲۱ - [گزارش کمیته حقوق بشر و نقض موارد متعدد کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی از سوی جمهوری اسلامی](#)
- ۲۲ - [زندانیان حقوقی دارند](#)
- ۲۳ - [مقررات سازمان ملل درمان پزشکی مناسب برای زندانیان عقیدتی را الزامی می سازند](#)
- ۲۴ - [درخواست برای معرفی شاهد شش ماه پس از مرگ هاله سحابی](#)
- ۲۵ - [شکنجه؛ روایت یک زندانی سیاسی](#)
- ۲۶ - [سکینه محمدی مستحق مرگ نبوده و تغییر سنگسار به اعدام هم قانونی نیست](#)
- ۲۷ - [عفو بین الملل: موج اعدام های پنهانی باید پایان یابد](#)
- ۲۸ - [کشتن انسان و حتی هر موجود زنده ای در هر شرایطی، محکوم و جنایت محض است](#)
- ۲۹ - [اتحادیه اروپا: حکومت ایران باید اجرای حکم اعدام را متوقف و مجازات اعدام را ملغا کند](#)
- ۳۰ - [نامه سرگشاده بازماندگان قتل عام سراسری به احمد شهید](#)
- ۳۱ - [سیر افشای اعدامهای تابستان ۶۷ و نامه های اعتراضی آقای منتظری به روایت اسناد](#)
- ۳۲ - [۲۰۱۱؛ سال انزوای ایران به دلیل نقض حقوق بشر](#)
- ۳۳ - [گفتگو با سخنگوی کمبین بین المللی حقوق بشر در ایران آمار اعدام مخفیانه؛ در مرز فاجعه](#)
- ۳۴ - [تهدیدات و فشارها بر خانواده فرهاد وکیلی در گفتگو با خواهرش](#)
- ۳۵ - [یک زندانی سیاسی پس از ۴ سال حبس به اتهام محاربه به اعدام محکوم شد](#)
- ۳۶ - [تضاد قوانین و عملکرد جمهوری اسلامی با میثاق بین المللی حقوق](#)

- ۳۷ - حکومت مذهبی، منبع اصلی خشونت علیه زنان
- ۳۸ - اعلامی رفع خشونت علیه زنان و روش جمع آوری اسناد نقض حقوق بشر زنان توسط عوامل دولتی و غیر دولتی
- ۳۹ - رسوم مجرمانه - ۲۵ نوامبر روز مبارزه با خشونت علیه زنان
- ۴۰ - من هفت تا شوهر دارم
- ۴۱ - فراخوان فوری - برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر ، فعالان حقوق زن مریم بهرمن و محبوبه کرمی را آزاد کنید
- ۴۲ - سوسن طهماسبی جایزه آلیسون دفورث دریافت کرد
- ۴۳ - ملاقات با احمد شهید و همکارانش
- ۴۴ - ایران، سرزمین آزار و اذیت کودکان
- ۴۵ - سالروز تصویب بیمان نامه کودک و تداوم بی توجهی به حقوق کودکان
- ۴۶ - پشتیبانی صدها تن از فعالین سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی از رضا شهای
- ۴۷ - حمایت بیش از هشتصد فعال سیاسی اجتماعی و فرهنگی - رسانه آزاد و نهاد از آزادی بی قید و شرط او
- ۴۸ - پیام همبستگی آلکس کالینیکس به رضا شهای
- ۴۹ - به نقل از جلال ایجادی
- ۵۰ - بحران اکولوژیکی دریایچه ارومیه
- ۵۱ - گزارش شش ماهه نقض حقوق بشر در آذربایجان : ۳۲۶ بازداشت فعالان مدنی - سیاسی، ۴۵ حکم قضایی، ۱۶ حکم شلاق، کمین بین المللی حقوق بشر
- ۵۲ - ۲۶ سال حبس و ۱۳۹۰ ضربه شلاق حکم ۵۷ معترض به وضعیت دریایچه ارومیه